

**فهرست**

[ابهام در متولیان صدور مجوز برای شبکه‌های ملی و انجمن‌های معلولان 3](#_Toc161084116)

[گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (اسفند ۱۴۰۲) 7](#_Toc161084117)

[پیشخوان: مروری بر نشریات و پادکست‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی 9](#_Toc161084120)

[در این حصار جادوئی روزگار بشکن 12](#_Toc161084124)

[تعامل در خرید (بخش دوم) 15](#_Toc161084125)

[ده فناوری برتر برای نابینایان و کم‌بینایان در نمایشگاه سی‌ای‌اس ۲۰۲۴ 17](#_Toc161084126)

[پرداخت مستمری به افراد با آسیب بینایی، آری یا نه 19](#_Toc161084127)

[مشاغل از نگاه یوتیوبر نابینا 22](#_Toc161084134)

[معلولان و مالیات 24](#_Toc161084135)

[همزیستی کبوتران در سرمای زمستان (چگونگی ازدواج افراد نابینا و کم‌بینا ) 26](#_Toc161084136)

[نقاشی با کلمات 30](#_Toc161084141)

[دکتر محمد خزائلی و گسترش نهادهای آموزشی نابینایان 33](#_Toc161084144)

[نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا 37](#_Toc161084149)

[بهاریه 39](#_Toc161084150)

[دویدن‌ها و نرسیدن‌ها! 40](#_Toc161084152)

**صاحب‌امتیاز:** انجمن نابینایان ایران

**مدیرمسؤول:** امیر سرمدی

**سردبیر:** امید هاشمی

**نویسندگان**: علی‌اکبر جمالی، فاطمه جوادیان، نگین حیدری، امیر سرمدی، جواد سقا، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، امین عرب، بهروز نبی‌زاده، محمد نوری، امید هاشمی و زهرا همت

**مترجمان:** میثم امینی، مریم مشایخی و امید هاشمی

**ویراستار:** فاطمه محسن‌زاده

**ویراستار بریل:** روح‌الله رنجبر

**طراح لوگو و جلد:** ترانه میلادی

**عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها:** اشکان آذرماسوله، نگین حیدری، امیر سرمدی، رقیه شفیعی و امید هاشمی

**گوینده نسخه صوتی:** زهرا همت

**تنظیم نسخه‌های الکترونیکی:** زهرا همت

**مدیر شبکه‌های اجتماعی:** امیر سپهری

**مدیر صفحه اینستاگرام:** اعظم چلوی

**چاپ بریل:** بخش نابینایان کتاب‌خانه مرکزی یزد

**صحاف:** ماهرخ تجا

**توزیع:** اداره کل پست استان یزد

**حامی مالی:** پاما، شرکت دانش‌بنیان پکتوس

با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی،مدیرعامل انجمن نابینایان ایران

## **ابهام در متولیان صدور مجوز برای شبکه‌های ملی و انجمن‌های معلولان**

**امیر سرمدی: مدیرمسؤول**



در هفته‌های اخیر لغو برگزاری مجمع شبکۀ ملی نابینایان (شمنا) در محافل نابینایان مباحث بسیاری را به دنبال داشت؛ هرچند این موضوع مهم می‌توانست بیشتر خبرساز شود، اما سمن‌های ویژۀ نابینایان حساسیت چندانی را از خود نشان ندادند؛ به همین بهانه در این یادداشت، ابهام‌های موجود در ارتباط با مسئولیت صدور مجوز برای سازمان‌های مردم‌نهاد را زیر ذره‌بین برده و با مدیران عامل هر دو شبکۀ ملی نابینایان گفتگو کرده‌ایم.

طبق آگهی منتشرشده در روزنامۀ رسمی قرار بود بیست و چهارم بهمن‌ماه سال جاری مجمع انتخاباتی شبکۀ ملی نابینایان ایران (شمنا) پس از ماه‌ها وقفه به‌منظور تکمیل اعضای هیئت‌مدیره برگزار شود، اما روز قبل از برگزاری مجمع، سازمان بهزیستی به استناد قانون نحوۀ تشکیل و فعالیت تشکل‌های صنفی‌تخصصی این مجمع را لغو و اعلام کرد از این پس بهزیستی مسئولیتی در قبال شبکه‌های ملی و سازمان‌های مردم‌نهاد معلولان ندارد و به استناد قانون مذکور، این انجمن‌ها باید مجوز خود را از وزارت کشور دریافت کنند. در همین راستا پرسش‌های بسیاری شکل گرفت و به ابهام‌های موجود افزوده شد، ازجمله آنکه اگر قرار باشد از این پس بهزیستی متولی صدور مجوز برای انجمن‌های ویژۀ معلولان نباشد، تکلیف سمن‌هایی که پیش از این از بهزیستی مجوز گرفته‌اند چه می‌شود؟ این انجمن‌ها برای اخذ مجوز از وزارت کشور تا چه زمانی فرصت دارند؟ ماجرا دقیقاً چیست؟

قانونِ چگونگی تشکیل و فعالیت تشکل‌های صنفی‌تخصصی که روز بیست و هفتم بهمن‌ماه سال گذشته، پس از موافقت شورای نگهبان به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید، «انجمن‌های صنفی‌تخصصی» را نهاد‌هایی می‌داند که به وسیلۀ دارندگان کسب، پیشه، حرفه، تخصص یا مهارت معین، تشکیل شده و اهداف، برنامه‌ها و اقدام آن به­صورت غیر­سیاسی، غیر­دولتی، غیرتجاری، غیر­انتفاعی و داوطلبانه در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف بوده و مطابق اساسنامۀ مصوب خود و در سطح ملی یا استانی فعالیت می‌کنند. این تشکل‌ها می­توانند مطابق اساسنامۀ خود با عناوین دیگر، ازجمله: «جمعیت، انجمن، جامعه، مجمع، خانه و کانون» نام‌گذاری شوند. طبق بند ب مادۀ 1 این قانون نیز «تشکل ملی» تشکلی است که حداقل در یک­دوم کل استان­های کشور شعبه یا نمایندگی داشته و اعضای آن از همان استان‌ها باشند. حداقل تعداد اعضای لازم برای اخذ پروانۀ فعالیت تشکل‌های ملی، پانصد نفر است.

سازمان بهزیستی ابتدا به استناد مادۀ 20 قانون تشکل‌های صنفی‌تخصصی، وزارت کشور را متولی صدور مجوز برای انجمن‌های معلولان معرفی کرد؛ هرچند این موضوع ابتدا با نظر معاونت حقوقی این سازمان اعلام شد، اما احتمالاً بعد از اعتراض‌های برخی سمن‌ها و به علت دلایلی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، سازمان بهزیستی به دنبال تجدیدنظر و اصلاح این قانون است.

در مادۀ 20 قانون تشکل‌های صنفی‌تخصصی آمده است: تعاونی‌ها، سازمان‌ها و اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای، احزاب و تشکل‌های سیاسی، کانون‌ها و سازمان‌های دانشجویی و دانش‌آموزی، تشکل‌های کارگری و کارفرمایی موضوع قانون کار، انجمن‌های علمی، مؤسسات فرهنگی، هنری و ادبی، باشگاه‌ها و هیئت‌های ورزشی، مؤسسات تجاری و انتفاعی، سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات موضوع بند‌های ۱ تا ۱۲ مادۀ (۲۶) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب 27/ 11/ 1380 از شمول این قانون مستثنا هستند.

مادۀ ۲6 قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت اشاره به نهاد‌هایی دارد که سازمان بهزیستی موظف است پس از بررسی‌های کارشناسی، برای آنها مجوز صادر کند. طبق تبصره‌های 1 تا 12 مادۀ 26 تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مراکزی که مسئولیت صدور مجوز آن بر عهدۀ سازمان بهزیستی است مانند مهدهای کودک، مراکز نگهداری شبانه‌روزی کودکان بی‌سرپرست و خیابانی، درمانگاه‌ها و اورژانس‌های مددکاری اجتماعی، تأسیس مراکز حرفه‌آموزی معلولین، مراکز خدمات مشاوره اجتماعی، تأسیس مراکز خدمات مشاوره ژنتیک، مراکز توان‌بخشی معلولین و... فعالیت‌های انتفاعی دارند و در زیرمجموعۀ قانون تشکل‌های صنفی‌تخصصی تعریف نشده‌اند، اما تبصرۀ 13 ماده 26 تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که می‌گوید: بهزیستی مسئول صدور مجوز برای تأسیس انجمن‌ها و مؤسسه‌های غیردولتی و خیریه است که در راستای اهداف سازمان بهزیستی کشور فعالیت می‌کنند، در مادۀ 20 قانون تشکل‌های صنفی‌تخصصی مستثنا نشده است؛ درنتیجه تبصرۀ 13 را ذیل این قانون به‌شمار می‌آورند که انجمن‌ها و مؤسسه‌هایی را دربرمی‌گیرد که فعالیت‌های انتفاعی ندارند و مسئولیت آن بر عهده وزارت کشور است.

پیگیری‌های نسل مانا از سازمان بهزیستی در این ارتباط حاکی از آن است که سازمان بهزیستی به تکاپو افتاده تا همچنان مسئولیت صدور مجوز سمن‌های معلولان را در دست خود داشته باشد؛ در همین راستا کارشناسان دفتر انجمن‌های سازمان بهزیستی به نسل مانا اعلام کردند در توافقی شفاهی با سازمان امور اجتماعی وزارت کشور، آنها پذیرفته‌اند صدور مجوز شبکه‌ها و انجمن‌های ویژۀ معلولان برعهدۀ بهزیستی باشد، اما قرار است در جلسه‌ای که با معاونت حقوقی سازمان برگزار خواهد شد، راهکاری حقوقی و قانونی برای آن پیدا شود.



حمید جعفری، مدیرعامل شمنا، در این ارتباط در مصاحبه با نسل مانا گفت: قرار بود در بهمن‌ماه مجمع شبکۀ شمنا را برگزار کنیم که سازمان بهزیستی مانع از آن شد. به اعتقاد ما در بند ج قانون حمایت از حقوق معلولان به‌صراحت آمده است که سازمان بهزیستی مسئول تشکیل شبکه‌های ملی معلولان است و قانون تشکل‌های صنفی‌تخصصی شامل حال ما نمی‌شود؛ چراکه بخش اقتصادی وزارت کشور مسئول اجرای این قانون است، درحالی‌که فعالیت‌های ما تاکنون زیر نظر سازمان امور اجتماعی وزارت کشور بوده است و ما یک تشکل اجتماعی محسوب می‌شویم تا یک ارگان اقتصادی.

جعفری ادامه می‌دهد: این قانون بهمن‌ماه سال 1401 تصویب شده و خردادماه 1402 از سوی دکتر دهقان، معاون حقوقی ریاست‌جمهوری، به وزارت کشور ابلاغ شده است. چرا در هشت ماه گذشته وزارت کشور در این ارتباط سکوت کرده و این قانون را به سازمان بهزیستی اطلاع نداده بود؟ اگر هم بهزیستی از این قانون اطلاع داشت، چرا در فصل پاییز که در دو مرتبه قرار بود مجمع شبکۀ شمنا برگزار شود، مانع آن نشد؟ دکتر جعفری بر این باور است ریاست کنونی سازمان بهزیستی کشور اعتقاد و اعتنایی به ماهیت وجودی شبکه‌های ملی معلولان ندارد و قانون تشکل‌های صنفی‌تخصصی تنها بهانه‌ای برای رهایی از این شبکه‌ها است؛ چراکه بهزیستی نتوانسته تاکنون از این شبکه‌ها آ‌ن‌طور که باید پشتیبانی و حمایت کند. مدیرعامل شمنا در نهایت می‌گوید به دنبال حل این مشکل هستیم و قرار است جلساتی را با حضور مسئولان مرتبط در سازمان بهزیستی، وزارت کشور و نهاد ریاست جمهوری برگزار کنیم.



سهیل معینی، مدیرعامل دیگر شبکۀ ملی آسیب دیدگان بینایی چاووش، در مصاحبه با نسل مانا در واکنش به سخنان کارشناس دفتر امور انجمن‌های سازمان بهزیستی مبنی بر توافق با وزارت کشور برای صدور مجوز تشکل‌های معلولان می‌گوید: صرف‌نظر از مباحث مربوط در قانون تشکل‌های صنفی‌تخصصی، طی تماسی که با دفتر امور تشکل‌های اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس داشتم، آنها اعلام کردند مواد مربوط به این قانون بر عهدۀ معاونت اقتصادی وزارت کشور است و سازمان امور اجتماعی این وزارتخانه، صلاحیتی برای اظهارنظر در این ارتباط ندارد. معینی اعتقاد دارد ابهام‌ها در قانون چگونگی تشکیل و فعالیت تشکل‌های صنفی‌تخصصی بسیار است. تعریفی که از تشکل‌های صنفی آمده، به‌نوعی شامل حال تشکل‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی هم می‌شود، درحالی‌که سمن‌های معلولان صنفی نیستند. از سوی دیگر عبارت تخصصی در ادامۀ تشکل‌های صنفی آمده است که برخی از انجمن‌های معلولان را می‌توان به‌نوعی تشکل‌های تخصصی دانست.

معینی بیان کرد: در این مورد تعدد قوانین بسیار است. از سویی آیین‌نامۀ هیئت‌وزیران مصوب سال 1395 موجود است که تنها قانون بالادستی در حوزۀ سازمان‌های غیردولتی محسوب می‌شود و اصلاحاتی برای آن نیز در حال آماده‌سازی است. از سوی دیگر پیش‌نویس قانون سازمان‌های غیردولتی در مرکز پژوهش‌های مجلس در حال ارزیابی بود و حتی در کمیسیون‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت، اما به مجلس کنونی دیگر قد نخواهد داد.

از سوی دیگر قانون تشکل‌های صنفی‌تخصصی مصوب 1401 را پیش‌رو داریم که با آیین‌نامۀ هیئت‌وزیران مصوب 95 تداخل بسیاری دارد. باید حدود ثغور قانون تشکل‌های صنفی شفاف شود که این تشکل‌ها انتفاعی هستند یا خیر. همچنین در مادۀ 4 آیین‌نامۀ سال 95 هیئت‌وزیران در ارتباط با سازمان‌های غیردولتی قید شده است مرجع صدور مجوز برای شبکه‌های ملی به‌صورت انحصاری بر عهدۀ وزارت کشور است. همین موضوع باعث شده بهزیستی و وزارت کشور با یکدیگر کشمکش داشته باشند. مدیرعامل شبکۀ ملی چاووش در پاسخ به این پرسش که مرجع رسمی صدور مجوز برای سمن‌های معلولان بهتر است کدام نهاد باشد می‌گوید: برخی از معلولان اعتقاد دارند بهزیستی خانۀ ما است و چون طبق قانون امکان حمایت مالی از ما را دارد، باید مجوز خود را از این سازمان بگیریم مانند مدیران وقت شمنا که فکر می‌کردند بهزیستی به آنها هم پول می‌دهد هم دفتر کار. بعد مشخص شد این مسائل سرابی بیش نبوده است.

معینی اعتقاد دارد یکی از مهم‌ترین وظایف سازمان‌های غیردولتی، نظارت و مطالبه‌گری از دستگاه‌ها و سازمان‌های مربوط به‌منظور احیای حقوق جامعۀ هدف خود است؛ بنابراین یک سازمان نباید ناظر بر انجمنی باشد که خود ارائه‌دهندۀ مجوز به آن تشکل بوده است؛ چراکه در این صورت می‌تواند در مواقع مورد نیاز آنها را محدود کند، استقلال این سمن‌ها را از بین ببرد و به‌منظور رسیدن به اهداف خود، این تشکل‌ها را با اعمال قدرت تحت‌فشار قرار دهد مانند کاری که اسفندماه سال 1399 در مجمع انتخاباتی شبکۀ شمنا انجام دادند.

معینی ادامه داد: پیشنهاد ما طبق پیش‌نویس قانون سازمان‌های غیردولتی، مبتنی بر ایجاد یک مرجع و پنجرۀ واحد برای صدور مجوز سازمان‌های غیردولتی از سوی وزارت کشور است؛ با این تفاوت که برای سمن‌های تخصصی، از سازمان مربوط نیز استعلام گرفته شود؛ برای مثال اگر وزارت کشور بخواهد برای یک تشکل در حوزۀ نابینایان مجوز صادر کند، باید ابتدا از سازمان بهزیستی در ارتباط با اهلیت آن تشکل استعلام بگیرد.

معینی در پاسخ به این پرسش که چرا معاونت حقوقی ریاست جمهوری مهرماه سال 1400 در ارتباط با صدور مجوز برای شبکه‌های ملی، رأی را به بهزیستی داد، اما شما اعتقاد دارید طبق مادۀ 4 آیین‌نامۀ سال 95 این امر به‌صورت انحصاری مربوط به وزارت کشور است، بیان کرد: طبق بند هشتم مادۀ 38 احکام دائمی کشور، سازمان بهزیستی می‌تواند برای مؤسسه‌ها و تشکل‌ها مجوز صادر کند. استدلال معاونت حقوقی ریاست جمهوری آن بود که چون اسمی از تشکل‌ها آمده، پس شامل شبکه‌های ملی نیز می‌شود. واقعیت آن است که در این دعوی حقوقی، وزارت کشور بسیار ضعیف عمل کرد و لابی قدرتمند سازمان بهزیستی باعث صدور رأی به نفع این سازمان شد، اما ما این موضوع را قبول نداریم؛ چراکه بهزیستی شبکۀ شمنا را اسفند 99 تأسیس کرده، اما هفت ماه بعد برای قانونی جلوه دادن آن رأی گرفته است.

معینی ادامه داد: در شرایط کنونی، تعدد شبکه‌ها در کشور ما موجب تفرقه خواهد شد؛ چراکه فرهنگ مشارکت اجتماعی در میان مردم ایران رواج پیدا نکرده است. نمونۀ بارز آن تشکیل شبکۀ شمنا بود و گذشت سه سال از تأسیس این شبکه نشان داد ظهور یک شبکۀ ملی دیگر در حوزۀ نابینایان، به‌جای چانه‌زنی بیشتر برای پیگیری مطالبات جامعۀ هدف، موجب تفرقه در میان این قشر شد؛ بنابراین تشکیل شبکه‌های موازی در حوزۀ معلولان بی‌تردید به زیان آنها خواهد بود. بدیهی است اگر سازمان بهزیستی به دنبال رفع مسئولانۀ این چالش و نه بر اساس لجاجت است، باید هر دو شبکه را در هم ادغام کند؛ چراکه 90درصد اعضای تحت پوشش آنها یکسان هستند و تنها اعضای هیئت‌مدیرۀ این دو شبکه تفاوت دارند. همین موضوع را در حوزۀ معلولان با آسیب شنوایی و معلولان جسمی هم شاهد هستیم.

مخلص کلام آنکه سال 1403، سال تعیین‌کننده‌ای برای روشن شدن مرجع تخصصی صدور مجوز برای سازمان‌های غیردولتی خواهد بود. باید منتظر ماند و دید بهزیستی می‌تواند مانند دهه‌های اخیر صدور مجوز سمن‌های معلولان و شبکه‌های ملی این قشر را در ید قدرت و کنترل خود داشته باشد یا با آزاد شدن این تشکل‌ها از یوغ بهزیستی، شاهد بالندگی سمن‌های معلولان و مطالبه‌گری مجدانۀ آنها از این سازمان خواهیم بود. اگر قوانین بالادستی در این زمینه تغییر نکند و همچنان مبهم باقی بماند، باید شاهد اختلاف‌نظر‌های بیشتری از سوی بهزیستی با وزارت کشور باشیم؛ امری که زیانش مستقیم متوجه اعضای جامعۀ هدف بهزیستی خواهد بود مانند بلاتکلیفی شبکۀ شمنا در دو سال گذشته که البته ظاهراً برای کسی چندان اهمیتی نداشته است؛ نه برای نابینایان که در رخوتی عمیق فرو رفته‌اند نه برای مدیران ارشد سازمان بهزیستی!

## **گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (اسفند ۱۴۰۲)**

در واپسین روز از آخرین ماه سال، پای صحبت‌های گردانندگان انجمن نابینایان ایران خواهیم نشست. منصور شادکام، قائم‌مقام و علی‌اکبر جمالی، مدیر‌عامل انجمن، در خصوص فعالیت‌های این انجمن در طول یک ماه گذشته و افق سال آتی، گزارشی را در اختیار ماهنامه نسل مانا گذاشته‌اند که توجه علاقمندان را به این گزارش جلب می‌کنیم. شما همچنین می‌توانید نسخه کامل‌تری از این گزارش را در قالب یک فایل صوتی ذیل همین نوشته در وبسایت نسل مانا بشنوید.

### **منصور شادکام قائم‌مقام**



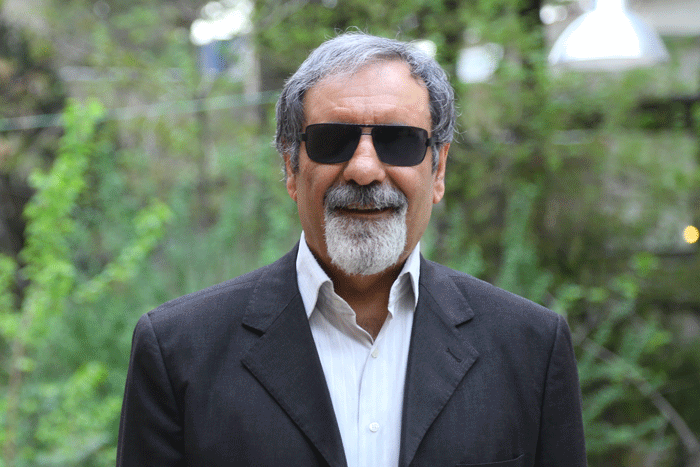
پیشاپیش لازم می‌دانم سال نو خورشیدی را به تمامی مخاطبان نسل مانا و اعضای انجمن نابینایان ایران تبریک عرض کنم. از زحمات شبانه‌روزی تک‌تک اعضای تحریریه این ماهنامه هم سپاسگزاری می‌کنم. همچنین لازم می‌دانم از این فرصت استفاده کنم و از همراهی خیرینی که در طول یک سال گذشته با انجمن همکاری کردند هم تشکر کنم. اگر همکاری‌های این افراد نبود قطعاً ما نمی‌توانستیم این حجم از خدمات را به اعضایمان ارائه کنیم. به طور خاص لازم می‌بینم از جناب حاج آقا موثقی نام ببرم که در طول یک سال گذشته بیش از ۶۰۰ سبد معیشتی را در اختیار اعضای انجمن گذاشت و همچنین بانی برگزاری سفر‌های زیارتی انجمن بود که آخرینِ این سفر‌ها به یک ماه پیش باز‌می‌گردد که بیش از ۵۰ نفر از اعضا توانستند به زیارت نجف و کربلای معلا مشرف شوند. اگر نبود همکاری افرادی مثل حاج آقا موثقی، چنین موقعیتی در اختیار ما قرار نمی‌گرفت. بسیاری از خیرین و همراهان انجمن هم هستند که در حوزه‌های متونعی دست یاری به ما داده‌اند اما نمی‌خواهند نامی از آنها برده شود. البته که حاج آقا موثقی هم از ما خواسته نامش برده نشود اما ما ترجیح دادیم به رسم تشکر نام ایشان را قید کنیم اما خیرینی هستند که در حوزه‌های فرهنگی، حمایتی، توانبخشی و سایر حوزه‌ها با ما همکاری‌های تنگاتنگی داشته‌اند. به طور خاص می‌خواهم از خیرینی تشکر کنم که زمینه‌ساز تدوین و چاپ دایرة‌المعارف نابینایان ایران شدند و این مرجع ارزشمند را در اختیار نابینایان گذاشتند. همچنین به همت این افراد، این مجموعه قرار است در سال آینده در تیراژ انبوه چاپ و در اختیار کتابخانه‌ها گذاشته شود. بعلاوه، قرار است در سال آینده با همکاری دفتر فرهنگ معلولین و مدیران این مرکز آقایان محمد و علی نوری، دایرة‌المعارف معلولین جسمی و حرکتی را تدوین کنیم. از این دفتر هم به خاطر همکاری‌های مستمرشان با انجمن سپاسگزاریم. نام بردن از تک به تک خیرین همراه انجمن، از حوصله این گزارش خارج است؛ لذا از علاقمندان خواهشمندم جهت مطالعه ریز به ریز این گزارش، به مطلبی که به همین منظور در وبسایت انجمن منتشر خواهد شد مراجعه کنند.

از دیگر فعالیت‌های انجمن در حوزه فرهنگی یکی هم تهیه برجسته‌نگار هوشمند همراه برای بخش نابینایان کتابخانه‌های وابسته به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور بود. در طول ماه‌های گذشته بیش از چهل دستگاه خریداری و در اختیار نهاد گذاشته شد. همچنین تعداد بیشتری دستگاه را هم انجمن خود در اختیار مراکز نابینایی قرار داد. ما معتقدیم گرانی این دستگاه باعث شده افراد نتوانند شخصاً مبادرت به خرید آن کنند و به همین دلیل این مراکز باید بتوانند این دستگاه‌ها را در اختیار دانشجویان، محققان و دانش‌آموزان نابینا بگذارند. همچنین بر این باوریم که این دستگاه می‌ةواند زمینه‌های اشتغال نابینایان را هم فراهم کند. به همین منظور هم استاندارد‌های مربوط به شش شغل را تدوین کرده‌ایم و قرار است آموزش‌های مربوطه را در اختیار نابینایان بگذاریم تا این افراد بتوانند به کمک این دستگاه، زمینه‌های اشتغال پایدار را برای خود فراهم کنند.

از دیگر فعالیت‌های فرهنگی انجمن، برگزاری جشنواره ملی کاما بود که در سال پیش رو دور بعدی آن برگزار خواهد شد. همچنین در پاییز سال بعد دومین دوره جشنواره گامینو را برگزار خواهیم کرد. دوستان بهتر است این نکته را در نظر داشته باشند که تمام این فعالیت‌ها با همت ده نفر اعضای همکار انجمن برگزار می‌شود که همینجا از زحماتشان تشکر می‌کنم. حتماً می‌دانید که انجمن‌ها، نه بودجه دولتی دارند و نه از جایی به صورت مستمر و مداوم حمایت می‌شوند. هر خدماتی که ارائه می‌کنیم، همگی بر مبنای ارتباطات فردی و اعتباری است که ما بین دوستانمان داریم. در این میان اما برخی اوقات کم‌لطفی تعداد انگشت‌شماری از نابینایان شامل حال ما می‌شود و آنها نادانسته، صحبت‌هایی حاوی تهمت و توهین مطرح می‌کنند و حتی بعضاً در قالب تماس‌های تلفنی، نکات ناخوش‌آیندی را مطرح می‌کنند. هر نفس سلیمی می‌داند که امکانات انجمن‌ها در ایران محدود است و ما نمی‌توانیم همه ۱۱ هزار نفر اعضای انجمن را تحت پوشش کمک‌های معیشتی و حمایتی قرار دهیم. لذا، پرونده‌های افراد را دهک‌بندی کرده‌ایم تا بتوانیم خدمات را به کسانی بدهیم که واقعاً به آن خدمات احتیاج دارند. حال که در ماه رمضان هستیم و در آستانه سال نو، خوب است که دل‌ها را از کینه و افکار منفی پاک کنیم تا از کسانی که در راستای بهتر شدن کیفیت زندگی ما قدمی برمی‌دارند، حمایت کنیم.

### **علی‌اکبر جمالی مدیر‌عامل**

من هم در آخرین ساعات سال ۱۴۰۲، هلول سال نو را به شما تبریک می‌گویم و برایتان سالی سرشار از بهروزی آرزو می‌کنم. همچنین لازم می‌دانم از همکاری اعضای تحریریه نسل مانا تشکر کنم. تشکر ویژه خود را هم تقدیم جناب آقای روح‌الله رنجبر، مسؤول محترم چاپ و توزیع نسل مانا می‌کنم که این نشریه را به موقع و منظم و به شکلی آراسته در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند. همچنین امیدوارم اعضای فرهیخته تحریریه نسل مانا، در دیگر حوزه‌ها هم یاری‌گر ما باشند تا بتوانیم پروژه‌های ارزشمندی را در زمینه نابینایان به سر‌انجام برسانیم.



در سال گذشته در ماه اردیبهشت، تقویمی را برای امسال در نظر گرفتیم که خوشبختانه موفق شدیم ۷۰ تا ۸۰ درصد این تقویم را عملیاتی کنیم. در همین راستا از اعضای انجمن هم می‌خواهیم که صرفاً دریافت کننده خدمات انجمن نباشند و در هر حوزه‌ای که می‌توانند، دست یاری به ما بدهند تا همه نابینایان از توانمندی‌هایشان بهره‌مند شوند. در سال آینده هم با توجه به استقبال مخاطبان از فعالیت‌های فرهنگی انجمن، تمرکز ما بر روی این قبیل فعالیت‌ها خواهد بود و سعی خواهیم کرد این عرصه را با کیفیت و کمیت قابل قبول‌تری پیش ببریم. با تأکید بر این نکته که همچنان خدمات رفاهی و حمایتی انجمن هم به قوت خویش و چه بسا قوی‌تر از سال‌های قبل برقرار خواهد بود.

در پایان لازم می‌دانم از فعالیت‌های دفاتر نمایندگی انجمن در تهران و سایر شهرتسان‌ها هم تشکر کنم و امیدوارم آنها هم بتوانند در سال آینده خدمات درخوری را در اختیار جامعه هدف بگذارند. علاقمندان برای مطالعه گزارش ریز فعالیت‌های انجمن در سال ۱۴۰۲ به وبسایت این انجمن به نشانی ibngo.ir مراجعه کنند.

## **پیشخوان: مروری بر نشریات و پادکست‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی**

امید هاشمی: سردبیر

در این شماره ابتدا راهی برای خواندن متون ریاضی به شکل الکترونیکی خواهیم یافت و در ادامه به آمریکا سفر می‌کنیم تا اوضاع دسترسی نابینایان آنجا را به کتاب و منابع مطالعاتی بررسی کنیم و در پایان هم دسترسی‌پذیری را در ساعت‌های گوگل واکاوی خواهیم کرد.

### **ساخت متون ریاضی دسترسی‌پذیر به کمک هوش مصنوعی**

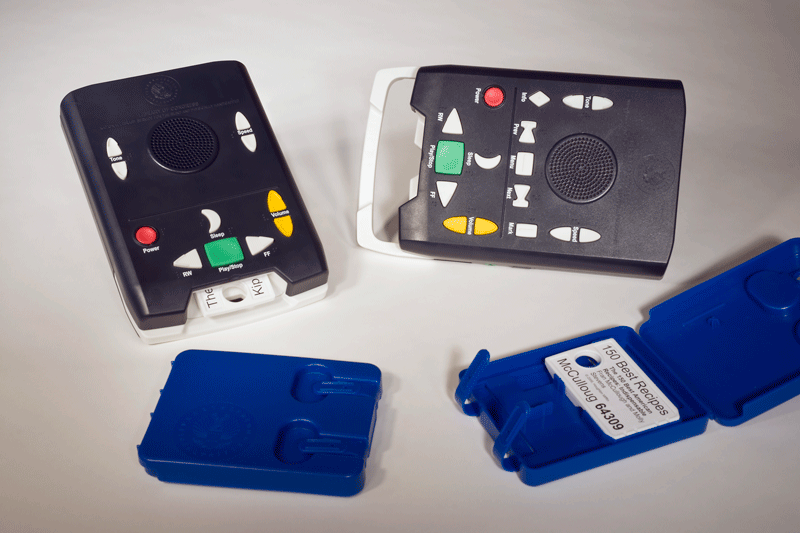


علاقه‌مندان و دنبال‌کنندگان پیشخوان نیک می‌دانند که گشایش راه‌های تازه برای دسترسی نابینایان به مرز‌های جدیدی از علوم تا چه میزان برای تولیدکنندگان پیشخوان اهمیت دارد؛ از‌همین‌رو ما هر ماه سعی می‌کنیم پیشرفت‌هایی را که در این راستا صورت گرفته است دنبال کنیم و جدید‌ترین‌هایش را با شما به اشتراک بگذاریم. یکی از تازه‌ترین اتفاق‌هایی که اخیراً گرد‌و‌خاکی در میان نابینایان اهل علم به پا کرده، دسترسی به سرویسی تازه است که امکان تبدیل فرمول‌های ریاضی را به علائم قابل خواندن برای نابینایان فراهم می‌کند. روشن است که در این فقره هم رد پای هوش مصنوعی مشاهده می‌شود، البته با ذکر این نکته که این بار، برخلاف روند رایج در ایران که هوش مصنوعی تنها به ابزار جابه‌جایی خواننده‌ بین ترانه‌های مختلف و به آتش کشیدن نوستالژی‌های ما بدل شده، سه ایرانی، هوش مصنوعی را مسخر خویش کرده و به خدمت نابینایان گمارده‌اند.

با [«مَتکیکِر»[[1]](#footnote-1)](https://mathkicker.ai/) در یکی از نوشته‌های وبگاه پرکینز آشنا می‌شویم؛ جایی که نویسنده توضیح می‌دهد این ابزار مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند اصلی‌ترین مشکل نابینایان در یادگیری ریاضی، یعنی دسترسی به متون و فرمول‌های این رشته را برطرف کند، اما ببینیم ماجرا از چه قرار است و هوش مصنوعی چطور چنین مشکل بزرگی را حل می‌کند؟

متکیکر که یک پلتفرم رایگان است، به کاربران امکان می‌دهد با نام و آدرس ایمیلشان در این پلتفرم ثبت‌نام کنند و سپس یک آدرس شخصی از طریق ایمیل برایشان ارسال می‌کند تا از این پس کار را با آن آدرس پیش ببرند. وقتی کاربر وارد آدرس شخصی خود در وبگاه متکیکر می‌شود، امکانی برایش مهیا است تا فرمول، معادله یا به‌طورکلی جمله‌های ریاضی مد‌نظرش را به شکل پی‌دی‌اف یا در انواع فرمت‌های عکس به این سامانه بسپارد و وظیفۀ سامانه هم این است که در زمانی معادل کمتر از یک دقیقه، آن را به یک سند مایکروسافت‌وُرد تبدیل کند. در ادامۀ مسیر، صفحه‌خوان‌ها وارد بازی می‌شوند و با امکاناتی که در نسخه‌های اخیرشان تعبیه شده، متن ریاضی مندرج در سند وُرد را برای کاربر می‌خوانند. مزایای این کار تنها به این یک مورد خلاصه نمی‌شود و افزون بر کاربران صفحه‌خوان‌ها، تبدیل‌کنندگان متون ریاضی به بریل هم می‌توانند از این امکان رایگان برای تبدیل متون ریاضی به بریل استاندارد بهره ببرند؛ چراکه این سامانه می‌تواند متون را به شکلی طراحی کند که برای چاپ بریل یا نمایش روی نمایشگر‌های بریل هم متناسب باشد؛ به‌طور مثال سامانه آن‌قدر می‌فهمد که در مواقع نیاز، متون را از یک خط به دو خط تبدیل کند تا در نمایشگر‌های بریل هم به‌درستی نمایش داده شود. اگر با من در نسخۀ صوتی پیشخوان همراه شوید می‌توانید نمونۀ کار این سامانۀ رایگان را در قالب یک فایل صوتی بشنوید.

### **یک داستان واقعی از تحقق شعار برابری**



یکی از حوزه‌هایی که افراد با آسیب بینایی با گوشت و پوستشان طعم ناخوشایند نابرابری را در آن حس می‌کنند، دنیای جذاب کتاب‌ها و سایر منابع مطالعاتی است. این درست که این سال‌ها به لطف فناوری‌ها، دسترسی ما به منابع مطالعاتی در قیاس با نسل‌های پیشین به‌مراتب آسان‌تر شده، اما هنوز دسترسی ما به این قبیل منابع آن‌قدر دشوار است که به‌صراحت بتوان از این اوضاع با نام «سوءِتغذیۀ مطالعاتی» نام برد. در این میان برخی دولت‌ها درصدد بر‌آمده‌اند تا هریک به طریقی این مشکل را حل کنند. گزارشی که در شمارۀ زمستان فصلنامۀ «اکسِس وُرلد»[[2]](#footnote-2) آمده، یکی از این تجربیات ارزنده را نقل می‌کند.

این گزارش خواندنی با یادآوری روز‌های پردلهرۀ مارس ۲۰۲۰ آغاز می‌شود؛ زمانی که کووید تازه متولد شده بود و دنیا با قرنطینه و ماسک و کلید‌واژه‌هایی این‌چنین دست‌به‌گریبان بود. نویسندۀ این گزارش این‌طور حکایت می‌کند که آن روز‌ها برای نابینایان آمریکایی یادآور اتفاق دیگری هم بود و آن‌هم اینکه اولین نمونه‌‌های کتاب‌خوان بریل برای انجام مراحل تست در اختیار هفت نفر از نابینایان قرار گرفته بود؛ ابزاری که قرار بود مشکل دسترسی نابینایان به منابع مطالعاتی بریل را تا حد زیادی برطرف کند. برای فهم آنچه در آمریکا اتفاق افتاده است، لازم است یک دهه به عقب برگردیم.

یکی از اصلی‌ترین متولیان دسترسی نابینایان به کتاب در ایالات‌متحده، مرجعی به نام «خدمات ملی کتابخانه‌ای»[[3]](#footnote-3) است که به اختصار با عنوان «اِن‌اِل‌اس» از آن یاد می‌شود. در سال ۲۰۱۳م جمعی از بزرگان نابینایان به همراه کارشناسان این مرکز گرد هم آمدند و مذاکرات مفصلی را در زمینۀ چگونگی تسهیل دسترسی نابینایان به منابع مطالعاتی بریل انجام دادند. ازجمله نکاتی که در این مذاکرات بر آن تأکید شد، این بود که درست است که در حال حاضر با فراگیر‌تر شدن استفاده از نمایشگر‌های بریل این شانس برای نابینایان به وجود آمده است تا هر کتابی را که می‌خواهند به‌راحتی از اینترنت بارگیری کنند و بخوانند، اما گرانی بیش از اندازۀ این دستگاه‌ها باعث شده همگان نتوانند به آن دسترسی داشته باشند و همین هم به‌ حقیقت محرومیت نابینایان دامن زده است. آنها معتقد بودند باید راهی پیدا کرد تا نابینایان هم بتوانند همانند بقیه با یک دستگاه کتاب‌خوان، به کتاب‌ها دسترسی داشته باشند. نتیجۀ این مذاکراتِ تنگاتنگ این بود که پنج میلیون دلار بودجه تصویب شد تا دو تا از شرکت‌های معتبر سازندۀ نمایشگر بریل، «زومَکس»[[4]](#footnote-4) و «هیومَنوِر»،[[5]](#footnote-5) دست به کار ساخت یک کتاب‌خوان بریل شوند. تاریخ مارس ۲۰۲۰ که در ابتدای این گزارش به آن اشاره شد، زمانی است که کارها به سر‌انجام رسیده و طراحی و تولید نتیجه داده است و حالا ان‌ال‌اس یک کتاب‌خوان بریل دارد که می‌تواند آن را در اختیار نابینایان در سراسر آمریکا بگذارد.

دستگاه‌هایی که هر دو شرکت تولید کرده‌اند شامل بیست سلول بریل و یک صفحه‌کلید مبتنی بر طراحی کلید‌های ماشین پرکینز است. هر دو دستگاه به‌قدری سبک و کوچک طراحی شده‌اند که به‌سادگی می‌توان آن را در کیف یا کوله‌پشتی جا داد و همه‌جا با خود حمل کرد. هر دو از وای‌فای و بلوتوث پشتیبانی می‌کنند و شانزده گیگابایت فضا برای ذخیره‌سازی کتاب‌ها در اختیار کاربر می‌گذارند. این امکان هم فراهم است که چنانچه به هر دلیل فضای شانزده گیگابایتی پر شد، کاربر بتواند با افزودن یک کارت حافظه، دستگاه را تقویت کند. شارژ دستگاه‌ها هم از طریق شارژر تایپ‌ سی انجام می‌شود و یک درگاه یو‌اس‌بی هم طراحی شده تا کاربران بتوانند از حافظۀ فلش هم بهره ببرند. این دستگاه‌ها می‌توانند با اتصال به اینترنت، کتاب‌های ان‌ال‌اس را روی حافظه ذخیره کنند تا کاربر بتواند به شکل برون‌خط آنها را مطالعه کند. کاربرد دستگاه‌ها به این مورد خلاصه نمی‌شود و اگر می‌خواهید درباره‌اش بیشتر بدانید، لازم است نسخۀ صوتی پیشخوان را بشنوید. آنجا به‌تفصیل توضیح داده‌ایم که ابعاد دستگاه و طراحی کلید‌هایش چگونه است و چه کار‌های دیگری هم انجام می‌دهد. این دستگاه در حال حاضر در چهل ایالت آمریکا در دسترس متقاضیان قرار گرفته است و احتمالاً به‌زودی سایر ایالت‌های باقی‌مانده هم به سطح زیر پوشش آن اضافه خواهد شد.

### **وضعیت دسترسی‌پذیری در ساعت‌های گوگل پیکسِل**



برای مرور قابلیت‌های دسترسی در ساعت جدید گوگل، به سراغ تجربیات یک خانم یوتیوبر نابینا به نام «کَری» رفته‌ایم که کانالی را با نام «کری آن اکسِسیبیلیتی»[[6]](#footnote-6) را اداره می‌کند. کری توضیح می‌دهد که گویا پارسال هم برای ساخت ویدئو به سراغ ساعت‌های پیکسل رفته بوده، اما شرایط دسترسی‌پذیری آن‌قدر ناامید‌کننده بوده است که ترجیح داده اساساً ویدئویی ضبط نکند، اما گویا این بار ماجرا فرق می‌کند. آن نسخه‌ها گویا از نظر اشاره‌ها و حتی امکانات درشت‌نمایی در فقر مطلق به سر می‌برده‌اند، اما این نسخه با بهبود قابل‌توجهی مواجه است.

پیکسل۲ امکانی را فراهم کرده تا کاربران در هنگام راه‌اندازی، سه بار دکمۀ کناری ساعت را بفشارند تا از همان ابتدای کار تاک‌بک برایشان فعال شود. همچنین انبوهی از اشاره‌ها هم در اختیار کاربران قرار گرفته است تا بتوانند ساعت را کنترل کنند، مثلاً اینکه می‌توانند دو بار با دو انگشت ضربه بزنند تا وارد صفحۀ تماس‌ها بشوند؛ به‌علاوه کاربران می‌توانند برای پاسخ یا پایان دادن به مکالمه، دو انگشت را دو بار روی صفحه بزنند و ضربۀ دوم را نگه‌دارند. این کار در شرایط خارج از مکالمه به قطع و وصل پخش پرونده‌های چند‌رسانه‌ای خواهد انجامید. نکتۀ دیگر دربارۀ تاک‌بکِ ساعت این است که با توجه به کوچک بودن صفحه، کاربر فقط می‌تواند از اشاره‌های یک و دو انگشتی استفاده کند؛ به‌همین‌خاطر از حرکات کشیدن انگشت هم در موقعیت‌های مختلف استفاده شده است، مثلاً می‌توانید با کشیدن یک انگشت به سمت پایین و سپس راست، وارد تنظیمات صفحه‌خوان شوید و اگر پایین و سپس چپ را رسم کنید، دکمۀ بازگشت زده خواهد شد.

دربارۀ وضعیت دسترسی‌پذیری ساعت‌های گوگل در نسخۀ صوتی با جزئیات صحبت کرده‌ایم. آنجا علاوه بر تاک‌بک، به تشریح اوضاع درشت‌نمایی هم پرداخته‌ایم. اگر می‌خواهید نسخۀ صوتی را دریافت کنید، می‌توانید آن را ذیل همین نوشته در وبگاه نسل مانا یا کانال‌ها و صفحات ما در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی پیدا کنید.

## **در این حصار جادوئی روزگار بشکن**

**زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران**



صحبت از کم‌بینایی همه‌جا هست و ممکن است در هر جمع و محفلی، حرف از کاهش دید و نیاز به استفاده عینک به میان بیاید، بیشتر افراد جامعه، کم‌بینایی را به همین میزان می‌شناسند و تصور می‌کنند فرد کم‌بینا شخصی است که می‌تواند تنها با استفاده از عینک، کارکرد طبیعی بینایی داشته باشد. از سوی دیگر، هنگامی که از نابینایی صحبت می‌شود، بیشتر افراد شخصی را که عینک تیره زده و عصای سفید به دست دارد، در ذهن تصور می‌کنند، اما کسی نمی‌داند تکلیف افرادی که در هیچ‌یک از این دو گروه نمی‌گنجند چیست. بسیار کم هستند کسانی که بتوانند افرادی را تصور کنند که اندک بینایی برایشان باقی مانده است و با کمک آن تنها می‌توانند به امور روزمره بپردازند و با اتکا به این میزان مختصر توانایی بینایی، در محیط حرکت کنند و کارهای شخصی خود را انجام دهند. بیشتر افراد نمی‌دانند که کسانی در این دنیا زندگی می‌کنند که کمی می‌بینند و موقع راه رفتن به چیزی برخورد نمی‌کنند، اما ممکن است نتوانند چهرۀ دیگران را تشخیص دهند و برای مثال در خیابان، همکارانشان را نشناسند و سلام و احوالپرسی نکنند.

متأسفانه این یکی از چالش‌هایی است که افراد کم‌بینا ممکن است در هر محیطی، از خانه و جمع دوستان و اقوام گرفته تا محل تحصیل و کار با آن مواجه باشند. این گروه از افراد نه نابینا محسوب می‌شوند و نه آن‌قدر می‌بینند که بتوانند انتظارات محیطی را به اندازۀ فردی بینا بر‌آورده کنند. این دغدغۀ بسیاری از افراد کم‌بینا است و هر یک از افراد کم‌بینا روش خاص خودشان را برای مدیریت این چالش در پیش می‌گیرند. برخی آسیب بینایی و تمام چالش‌هایش را می‌پذیرند و وضعیت بینایی‌شان را برای دوستان و همکاران توضیح می‌دهند و گروهی نمی‌پذیرند و از برملا شدن این حقیقت شرم دارند، کم‌بینایی‌شان را انکار می‌کنند و تلاش می‌کنند به اطرافیان القا کنند که اختلال بینایی خفیفی دارند و گروهی دیگری هم هستند که در برهه‌ای از زندگی، آسیب بینایی‌شان از دیگران پنهان می‌کنند، ولی بعد از مدتی تصمیم می‌گیرند حقیقت را پنهان نکنند. این یادداشت را از صحبت‌های یکی از دوستان کم‌بینا الهام گرفتم که چند سالی مجبور بوده کم‌بیناییش را پنهان کند. در اینجا، مختصری از تجربۀ ایشان را نقل می‌کنم.

«من کم‌بینا هستم. چند سال پیش در یک ادارۀ نیمه‌دولتی مشغول به کار شدم. در ابتدای کارم در آن ارگان، موضوع کم‌بینایی‌ام را با مدیران در میان گذاشتم، اما یکی از مدیران، علاوه‌بر ابراز همدردی و بیان اینکه با توجه به سوابق تحصیلی و کاری من به توانایی من در انجام کارها اطمینان دارد؛ پیشنهاد کرد در مورد میزان بینایی‌ام با همکاران صحبتی نکنم و این‌طور وانمود کنم که مثل خیلی‌ها چشمانم کمی ضعیف است و باید عینک بزنم. ایشان دلیل این پیشنهاد را این‌طور عنوان می‌کردند که اگر همکاران از وخامت اوضاع بینایی من اطلاع پیدا کنند، به احتمال زیاد هر اشتباهی در انجام کار‌ها را به گردن من و ندیدنم خواهند انداخت.

با شناختی که در طول همکاری با آن ارگان از آن مدیر پیدا کردم، اکنون می‌دانم که ایشان این پیشنهاد را از سر دلسوزی ارائه کردند و اطمینان دادند که کسی از ظاهر چشمانم متوجه کم‌بینایی شدید من نمی‌شود و این‌گونه بود که این باور در خودم هم شکل گرفت و در ابتدا از بینا به حساب آمدنم خیلی ذوق‌زده شدم. من با این پنهان‌کاری بزرگ در آن مجموعه شروع به کار کردم، اما هر‌قدر ارتباط نزدیک‌تری با همکارانم پیدا می‌کردم و هر‌قدر در شغلم پیشرفت می‌کردم و کار‌های بیشتر و تازه‌تری به من سپرده می‌شد؛ اضطراب من از برملا شدن این راز بزرگ بیشتر می‌شد. من مجبور بودم هزار ترفند به کار ببرم که نقص بینایی‌ام را از همکارانم که حالا دوستان خوبی برایم شده بودند پنهان کنم. یادم می‌آید همیشه به دنبال چند دقیقه زمان و یک اتاق خلوت می‌گشتم که مجبور نباشم یادداشت‌هایم را در حضور همکارانم بنویسم؛ چرا‌که نمی‌خواستم ببینند که مجبورم صورتم را چقدر به کاغذ نزدیک کنم، اما در کنار همۀ این سختی‌ها، این انکار کم‌بینایی برایم لذت‌بخش هم بود. دوستان بسیاری پیدا کرده بودم که مرا از جنس خودشان می‌دانستند و هیچ فاصله‌ای بین خودم با آنها نمی‌دیدم. هیچ خبری از ترحم‌های معمول دوستی دختران بینا با یک نابینا یا کم‌بینا نبود، اما افسوس که ترس از برملا شدن این راز اجازه نمی‌داد روابطم را با این دوستان حفظ کنم. من مجبور بودم برای بیرون نرفتن‌هایم با جمع این دوستان، بهانه بیاورم یا از ترس اینکه در خیابان اداره برایم دستی بلند کنند و من متوجه نشوم، سرم را موقع راه رفتن در خیابان طوری پایین بگیرم که جز کفش‌هایم چیزی نبینم. نمی‌دانم آیا می‌توانید تصور کنید که پنهان کردن چنین راز بزرگی چقدر سخت است؟ من چند سال در چنین شرایط سختی بودم و متأسفانه با تمام علاقه‌ای که به شغلم داشتم و تمام پیشرفتی که در اداره کرده بودم؛ درنهایت نتوانستم بار سنگین این راز را تحمل کنم و تصمیم گرفتم استعفا بدهم و برگردم و از صفر شروع کنم.

این بار در دستگاهی دولتی مشغول به کار شدم. در ابتدای کار و با توجه به شغل قبلی‌ام، حتی توانایی صحبت در ‌مورد کم‌بینایی با مدیر مجموعه را نداشتم و نمی‌دانستم که چه کنم که تجربۀ تلخ گذشته تکرار نشود، اما آشنایی با یک خانم همکار با معلولیت در ناحیۀ پا، همه‌چیز را عوض کرد و من به‌راحتی و بدون ترس، موضوع را با مدیر و تمامی همکاران مطرح کردم و دیدم که هیچ اتفاق خاصی هم نیفتاد و همۀ همکاران، به استثنای یکی‌دو‌ نفر، با این موضوع به‌خوبی کنار آمدند و تعامل و دوستی خوبی بین من و آنها ایجاد شد. شاید بتوانم این‌گونه وصف کنم که بعد از صحبت در مورد وضعیت بینایی‌ام، از یک دغدغه و غصۀ بزرگ رها شدم».

تجربۀ این دوست به‌خوبی نشان می‌دهد که پذیرش آسیب بینایی و صداقت داشتن با دیگران در‌ مورد وضعیت بینایی می‌تواند آرامش و امنیت را برای فرد کم‌بینا به ارمغان بیاورد. هنگامی که دیگران از وضعیت بینایی فرد کم‌بینا مطلع باشند و فرد در میزان بینایی‌اش اغراق نکند؛ سطح انتظارها و توقع‌ها از او با توجه به میزان بینایی‌اش تنظیم می‌شود و شخص کم‌بینا به‌راحتی و در نهایت آرامش و امنیت به کار و زندگی‌اش خواهد پرداخت و ذهنش به‌جای درگیری مداوم بر ایفای نقش فرد بینا و بهانه‌تراشی برای توجیه کاستی‌های ناشی از ضعف بینایی بر کار و تفریح و امور روزمره زندگی متمرکز خواهد بود. این نگاه موجب می‌شود که بیشتر بتوانیم از لحظه‌های زندگی لذت ببریم. من باور دارم که آسیب بینایی نه جرم است نه گناه که از آن خجالت بکشیم. حالا که کسی به فکر ما نیست، خودمان وظیفه داریم این جامعۀ نیمه‌آگاه را از ویژگی‌ها و توانمندی‌ها و نیاز‌های افراد کم‌بینا و نابینا آگاه کنیم و امیدوارم شما دوستان عزیز نسل مانا هم با من موافق باشید و در این مسیر، با ما هم‌قدم شوید.

## **تعامل در خرید (بخش دوم)**

**فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان آموزش و پرورش استثنایی گیلان**



همراهان عزیز! در شمارۀ پیش پای تجربۀ حمیدرضا و الهام در مورد خرید کردن و تعامل با فروشندگان نشستیم. اینک در بخش دوم و پایانی، پروانه و سهیلا ما را مهمان تجربه‌های ارزشمند خود می‌کنند. باشد که خواندن این تجربه‌ها سبب آشنایی بیشتر افراد بینا با چالش‌هایی شود که افراد نابینا زمان خرید کردن با آنها مواجه هستند.

پروانه و همسرش، هر دو، نابینا هستند. فرزندانشان بینا هستند، بزرگ شده‌اند و هر دو با افراد بینا ازدواج کرده‌اند.

پروانه سوپرمارکت را یکی از مهم‌ترین مراکز خرید روزانه می‌داند؛ بنابراین هر بار که محل زندگی او و همسرش تغییر می‌کند، سعی می‌کنند سوپرمارکت آنجا را شناسایی کنند. او در همان ابتدا از فروشنده می‌پرسد که آیا امکان تحویل سفارش در منزل هم دارند یا نه...بعضی از آنها این امکان را دارند بعضی هم نه. برخورد خوب پروانه و همسرش با فروشنده‌ها در بیشتر موارد سبب شده است تا فروشنده تلاش کند با آنها همکاری لازم را داشته باشد؛ به‌طور مثال اگر پیک نداشته باشد، زمانی که به خانه می‌رود، سفارش را درِ منزل به آنها تحویل می‌دهد.

پروانه شاغل است و با توجه به وضعیت سنگین ترافیک روزانه دیر به منزل می‌رسد. گذر از عرض خیابان و رد کردن موانع ثابت یا متحرک در مسیر، حرکت فرد نابینا را کندتر می‌کند و زمان زیادی را از او می‌گیرد. به این مسائل چند شاخه شدن و چند اسمی شدن خیابان‌ها را هم اضافه کنید و البته مسئولیتی که زن در خانه بر عهده دارد.

پروانه هنگام خریدن لباس نمی‌تواند به فروشنده اعتماد کند؛ چراکه گوناگونی، ترکیب و اسامی رنگ‌ها نسبت به گذشته‌های دور خیلی تغییر کرده است. در این زمینه با دوست بینایی که تقریباً هم‌سن و سال پروانه است، صحبت می‌کنم. او می‌گوید: «ما این روزها در جامعه رنگ‌های کمتری را می‌بینیم. اتومبیل‌ها بیشتر یا سیاه هستند یا سفید. رنگ ساختمان‌ها هم طوسی، سیاه گاهی هم قهوه‌ای هستند. رنگ لباس‌های کارمندان اداره‌ها و شرکت‌ها هم بیشتر سیاه یا تیره است، حتی آنهایی که با سر کردن روسری میانه‌ای ندارند، بیشتر همین رنگ‌های تیره را برای لباسشان استفاده می‌کنند.» و من به‌عنوان یک نویسندۀ نابینا با حیرت و افسوس به حرف‌هایش گوش می‌دهم.

در گذشته تراکم مغازه‌ها خیلی کمتر بوده است؛ بنابراین پروانه راحت‌تر می‌توانست مغازه‌ای را نشان کند تا زمانی که بخواهد، به اتفاق یک همراه برای خرید لباس به آنجا برود، اما حالا ممکن است یک مغازۀ فست‌فود بین دو لباس‌فروشی باشد. در اینجاست که حس بویایی هم نمی‌تواند در پیدا کردن فروشگاه مورد نظر، فرد نابینا را راهنمایی کند. حرکت دست روی رگال‌ها یا قفسه‌های کفش می‌تواند تا حد زیادی به فرد نابینا کمک کند تا ضمن آشنایی با مدل‌ها و جنس‌های جدید لباس‌ها و کفش‌ها، جنس مورد نظرش را انتخاب کند. بازهم البته همه‌چیز در دسترس او نیست، مثل لباس‌هایی که در ارتفاع بالاتری یا در ویترین و پشت شیشه آویزان شده‌اند. این است که پروانه حضور یک همراه را برای خریدهایی که فوریتی ندارند، ضروری می‌داند. به نظر پروانه سلیقۀ دیگران در چنین خریدهایی، خواه‌ناخواه، در انتخاب افراد نابینا دخیل است.

او در جایی از صحبت‌هایش نابینایان را به خونسردی دعوت می‌کند. آن زمان که فروشنده از فرد نابینا می‌خواهد به چیزی دست نزند، بهتر است او با آرامش بگوید که تنها راهی که می‌تواند کالای مورد نظر را بشناسد این است که آن را از نزدیک لمس کند و درنهایت هر یک از دو پاسخ احتمالی را بپذیرد؛ یا بماند و ضمن تشکر با دقت کالا را لمس کند یا اینکه با احترام به خواستۀ فروشنده مغازه را ترک کند.

هنگامی که در گذشته او به‌ همراه فرزند خردسالش به فروشگاهی می‌رفت، فروشنده‌ها به نقش مادرانۀ او احترام می‌گذاشتند و ضمن ارتباط با کودک، به خواسته‌های پروانه هم با دقت بیشتری توجه می‌کردند.

در این گفتگو، او تجربۀ یکی از دوستانش را هم بیان می‌کند؛ اینکه هر بار وارد فروشگاه بزرگ محله‌شان می‌شود، یکی از کارکنان آنجا به سمتش می‌آید و ضمن خوشامدگویی او را تا پایان خریدهایش راهنمایی می‌کند. پروانه کم‌صبری جوان‌ترها را درک می‌کند و امیدوار است وجود راهنمای انسانی فروشگاه‌های سراسر کشور به فعالیتی فراگیر تبدیل شود.

سهیلا مهمان دیگر این بخش است. از دوران نوجوانی او را می‌شناسم. او در هوش و اخلاق و متانت شهرتی مثال‌زدنی داشت. همسر و فرزندش هم نابینا هستند و آنها در سایۀ تدبیر زندگی را به بهترین شیوه پیش می‌برند. او ساختار لوازم برقی و همچنین استانداردهای موجود را خوب می‌شناسد؛ مانند همان دوران نوجوانی‌اش. سهیلا برای خرید لوازم برقی خانه یا شخصی می‌داند که باید به چه نکاتی توجه کند و چه سؤال‌هایی از فروشنده بپرسد؛ بنابراین قادر است این اقلام را به‌تنهایی بخرد.

از او می‌خواهم بگوید که چطور خدمات یک آرایشگاه را رد یا تأیید می‌کند. او توضیح می‌دهد که نتیجۀ بصری کار یک آرایشگر را از طریق بازخوردهایی که از اطرافیان می‌گیرد، بررسی می‌کند، البته در این زمینه هم ویژگی‌های شخصیتی و سلیقۀ افرادی را که بازخورد می‌دهند در نظر می‌گیرد.

یکی از زمان‌هایی که فرد نابینا احساس می‌کند کمی به دردسر افتاده، آن وقتی است که بعد از خرید چند کالا متوجه می‌شود که شکل بعضی بسته‌ها هیچ فرقی با یکدیگر ندارند. می‌دانیم که استفاده از نرم‌افزارهای موبایل می‌تواند کمک‌کننده باشد، اما گاهی پیش می‌آید موبایل یا حتی اینترنت در دسترس نیست. سهیلا برای چنین مواردی از راهکاری ویژه استفاده می‌کند. او پیش از خروج، کالاها را لمس می‌کند و اگر ابهامی داشته باشد، حتماً از فروشنده می‌پرسد. یک‌بار زمان خرید متوجه شد که دو تا از کالاها در دو ظرف شیشه‌ای مشابه قرار دارند. یکی از ظرف‌ها حاوی رب آلوچه و ظرف دیگر حاوی رب انار بود. او هرچه دقت کرد، تفاوتی بین دو ظرف پیدا نکرد. این بود که از فروشنده خواست تا قطعه‌ای چسب نواری روی یکی از ظرف‌ها بچسباند و همچنین به او بگوید که چسب را روی ظرف رب انار چسبانده است یا ظرف رب آلوچه؛ به این ترتیب او می‌توانست بعد از رسیدن به خانه نام هر محصول را به خط بریل بنویسد و روی ظرف مورد نظر بچسباند.

در مسیر پر فراز و نشیب زندگی این قدرت تدبیر است که مسائل را حل می‌کند، موانع را از سر راه برمی‌دارد و امکان پذیرش شرایط موجود را افزایش می‌دهد. امید است پیام‌های دوستان ما در این بخش از ستون زندگی برای شما مخاطب گرامی پرسود و ثمربخش بوده باشد.

**روزهایتان پر از شوق زندگی**

## **ده فناوری برتر برای نابینایان و کم‌بینایان در نمایشگاه سی‌ای‌اس ۲۰۲۴**

**گردآوری و ترجمه: میثم امینی**



نمایشگاه لوازم الکترونیکی مصرفی که به «سی‌ای‌اس» معروف و بزرگ‌ترین نمایشگاه لوازم الکترونیکی مصرفی در جهان است از ۹ ژانویه تا ۱۲ ژانویه ۲۰۲۴ در شهر لاس‌وگاس برگزار شد. در این رویداد جدیدترین نوآوری‌ها و روندها در زمینه‌های مختلفی مثل سلامت دیجیتال، فناوری‌های پوشیدنی، دسترس‌پذیری و...به نمایش گذاشته شد. از بین هزاران محصول و راه‌حلی که در این نمایشگاه به ‌نمایش ‌درآمده بود، بعضی از آنها به‌طور خاصی برای کمک به نابینایان، کم‌بینایان و سایر معلولان به‌منظور بهبود زندگی و غلبه بر چالش‌های موجود طراحی شده بودند.

در این شماره از مجلۀ نسل مانا، در ستون فناوری، ده فناوری برتر ارائه‌شده برای افراد نابینا و کم‌بینا در نمایشگاه سی‌ای‌اس ۲۰۲۴ را به‌طور خلاصه بررسی می‌کنیم. دلایل انتخاب این ده فناوری عبارت‌اند از: محبوبیت، علاقه‌مندی در سطح اینترنت و جوایزی که دریافت کرده‌ یا برای دریافت آنها نامزد شده‌اند.

**۱۰. گلاید:** گِلاید یک ابزار کمک‌حرکتی است که از یک فناوری ثبت اختراع ‌شده به نام «گِلایدکُور» برای تولید میدان مغناطیسی در اطراف بدن کاربر استفاده می‌کند. میدان مغناطیسی با کنار زدن اشیایی مثل صندلی و میز که در پیش پای کاربر قرار دارند، به کاربر در حرکت کمک می‌کند. این دستگاه همچنین حسگرهایی دارد که موانع را تشخیص و سرعت کاربر را به‌تناسب تغییر می‌دهند. گلاید برای کمک به نابینایان و سایر افراد دارای مشکل در حرکت طراحی شده است تا در راه رفتن مطمئن‌تر و مستقل‌تر به آنها کمک کند.

**۹. گایدآی:** گاید‌آی یک کمربند هوشمند قدرت‌گرفته از هوش مصنوعی است که نابینایان را با استفاده از دوربین‌های دوگانۀ زاویه‌باز، یک ماژول هوش مصنوعی اِج[[7]](#footnote-7) سفارشی‌سازی و یکپارچه‌شده با حسگر، یک سامانۀ پیمایش لرزشی و فرمان‌های گفتاری هدایت می‌کند. دستگاه با یک برنامۀ مخصوص تلفن‌های هوشمند کار می‌کند که پشتیبانی از فرمان‌های گفتاری و به‌روزرسانی را برای دستگاه فراهم می‌کند. گایدی برای کمک به افراد نابینا در حرکت امن و راحت به هر مقصدی، چه در داخل و چه خارج از ساختمان طراحی شده است.

**۸. ویکشن۰۱:** ویکشن۰۱ یک عینک سبک‌وزن دارای یک حسگر است که فاصلۀ کاربر را با آنچه روی آن تمرکز کرده است اندازه می‌گیرد و سپس لنزها را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند تا کاربر بتواند آن را راحت‌تر ببیند. این عینک برای افرادی طراحی شده است که به بهبود بینایی نیاز دارند، مثلاً افرادی که پیرچشمی یا آستیگماتیسم دارند.

**۷. لایتهاوس تک ال‌تی‌اچ۰۱:** لایتهاُوس تِک ال‌تی‌اچ۰۱ عینکی است که از حسگرهای اولتراسوند و نوری برای تشخیص اشیا استفاده می‌کند و از طریق لرزش روی شقیقه‌ها در مورد وجود این اشیا به کاربر هشدار می‌دهد. این عینک در برابر آب و ضربه مقاوم است و در سبک‌های مختلف ارائه می‌شود.

**۶. او‌اورایونک:** اُو‌اُورایُون یک برنامه برای تلفن‌های هوشمند است که به کاربر اجازه می‌دهد اشیا و متون را در محیط خود با استفاده از واقعیت افزوده پیدا کند. این برنامه از دوربین و جی‌پی‌اس گوشی برای لایه‌گذاری اطلاعات روی میدان دید کاربر استفاده می‌کند. این کار به کاربر نابینا کمک می‌کند امن و مستقل حرکت کند.

**۵. هیرسی موبیلیتی:** هیرسی مُوبیلیتی یک عصای سفید هوشمند است که با برچسب‌های آر‌اف‌آی‌دی تعبیه‌شده در امتداد راهروها ارتباط برقرار می‌کند و برای رفتن به مکان‌های مختلف داخل ساختمان به کاربران نابینا راهنمایی صوتی جهت به جهت می‌دهد. همچنین فضای اطراف را برای آنها توصیف می‌کند. این عصا با یک برنامۀ مخصوص تلفن‌های هوشمند کار می‌کند که به کاربران اجازه می‌دهد محیط‌های داخلی مثل مدرسه‌ها و فروشگاه‌ها را به‌صورت مستقل کاوش کنند.

**۴. فینتین وی۱:** فینتین وی۱ یک صفحه‌کلید بلوتوثی کیو‌دبلیو‌ای‌آر‌تی‌وای برای تلفن‌های هوشمند برای افراد نابینا و کم‌بینا است که شرکت کره‌ای وانکام آن را توسعه داده است. این صفحه‌کلید از فناوری مینی کیو‌دبلیو‌ای‌آر‌تی‌وای ساختاریافته استفاده می‌کند که ۳۶ کلید را به شش کلید تبدیل می‌کند. این فناوری به کاربر اجازه می‌دهد بدون نگاه کردن به کلیدها روی یک صفحه‌کلید کوچک که در یک دست جا می‌شود تایپ کند. این صفحه‌کلید همچنین کلیدهای اختصاصی را برای صفحه‌خوان‌هایی مثل وُویس‌اُوِر برای آی‌او‌اس و تاک‌بَک برای اندروید به‌همراه بازخورد لرزشی دارد که کاربران نابینا و کم‌بینا را قادر می‌سازد بدون نیاز به کار با صفحۀ لمسی، به گسترۀ کاملی از امکانات تلفن هوشمند خود دسترسی داشته باشند.

**۳. هپتیک مینی ـ فیلد:** هَپتیک مینی ـ فیلد یک زمین بازی مینیاتوری به اندازۀ یک لپ‌تاپ است که به ورزش‌دوستان نابینا اجازه می‌دهد بیشتر بازی‌های میدانی مثل فوتبال، بسکتبال، بیس‌بال و هاکی را با لمس دنبال کنند. این دستگاه از چهل موتور لرزشی برای شبیه‌سازی حرکات بازیکنان و توپ تقریباً به‌صورت هم‌زمان با پخش بازی استفاده می‌کند.

**۲. ای‌سایت گو:** ای‌سایت گُو سامانۀ عینک مبتنی بر دوربین است که محیط را ضبط می‌کند. سپس تصویر ضبط‌شده را با استفاده از برنامه بهبود می‌دهد و آن را در نمایشگرهای اولدی که جلوی هر چشم قرار می‌گیرند نمایش می‌دهد. این سامانه برای افرادی که بیماری‌های چشمی مختلفی مثل تباهی لکه زرد، رتینوپاتی دیابتی یا بیماری اشتارگارت دارند طراحی شده است.

**۱. عینک دات‌لومن:** عینک دات‌لومِن یک هدست است که از حسگرهای لیدار و بازخورد لرزشی برای هدایت کاربر نابینا به یک محل استفاده می‌کند. این هدست با یک برنامۀ مخصوص تلفن‌های هوشمند کار می‌کند که به کاربر اجازه می‌دهد مقصدی را مشخص کند و برای آن مقصد راهنمایی جهت به جهت را از طریق لرزش روی شقیقه‌ها دریافت کند. حسگرهای دستگاه همچنین موانع را تشخیص می‌دهند و با الگوهای متفاوت لرزش به کاربر نسبت به این موانع هشدار می‌دهند. این هدست به‌عنوان یک جایگزین دیجیتال برای عصای سفید و سگ راهنما طراحی شده است.

بسیاری از این محصولات جذاب که از سراسر جهان، از ایالات‌متحده و کانادا گرفته تا کرۀ جنوبی، فرانسه و آلمان ارائه شده بودند، در نمایشگاه سی‌ای‌اس ۲۰۲۴ در دسته‌های مختلف جایزه دریافت کردند یا برای دریافت جایزه نامزد شدند. هرچند قیمت هیچ‌کدام از این محصولات هنوز مشخص نیست، اما انتظار می‌رود که همۀ آنها در سال ۲۰۲۴ به بازار عرضه شوند و اگرچه دست ما نابینایان و کم‌بینایان ایرانی معمولاً از چنین محصولاتی کوتاه است، ولی به‌هرحال می‌توان آن را خبری خوش به حساب آورد.

## **پرداخت مستمری به افراد با آسیب بینایی، آری یا نه**

**امین عرب: آموزگار دانش‌آموزان با نیازهای ویژه فارس**



یکی از مهم‌ترین مشکلات زندگی افراد با آسیب بینایی، مسائل معیشتی و دسترسی به منابع مالی است. محدودیت‌های ناشی از آسیب بینایی و موانع فراوانی که به‌صورت فیزیکی یا اجتماعی بر سر راه اشتغال این قشر وجود دارد، مانع از آن است که آنان بتوانند نیاز‌های اقتصادی خود را برطرف کنند. نرخ بیکاری در تمامی کشور‌های دنیا در جمعیت با آسیب بینایی نسبت به عموم جامعه بالاتر است و همین موضوع سبب شده است که سیاست‌های حمایتی متفاوتی برای بهبود این شرایط در پیش گرفته شود. برخی معتقدند پرداخت کمک‌هزینه از منبع درآمد‌های دولتی می‌تواند راهی برای جبران فرصت‌های نابرابر اشتغال افراد دارای معلولیت، ازجمله آسیب‌دیدگان بینایی باشد. گروهی دیگر با پرداخت هرگونه کمک‌هزینه مخالف‌اند و باور دارند که بهتر است این مبالغ را صرف ایجاد شرایط برای اشتغال این قشر کرد. هدف ما در این جستار این است که ابعاد مثبت و منفی هریک از راهکار‌های حمایتی ذکر شده را بررسی و ابعاد گوناگون آن را روشن‌تر کنیم.

### **پرداخت کمک‌هزینه: گونه‌ای از تبعیض مثبت**

حامیان پرداخت کمک‌هزینه معتقدند که تبعیض‌های موجود در جامعه موجب می‌شود افراد با آسیب بینایی نتوانند حضور مؤثری در جامعه داشته‌ باشند، چون امکان تحصیل آنها در بسیاری از زمینه‌ها فراهم نیست، دسترسی‌پذیری لازم در محیط‌های کاری برای آنان وجود ندارد و بسیاری از کار‌فرمایان حاضر به استخدام کارمند با این ویژگی نیستند؛ درنتیجه شانس اشتغال برای این گروه از متوسط جامعه کمتر است. به‌منظور دسترسی افراد با آسیب بینایی به حداقل رفاه اجتماعی، لازم است این تبعیض مثبت در خصوص آنان اعمال شود و کمک‌هزینه‌ای برای حمایت از آنها در نظر گرفته شود. همچنین هزینۀ زندگی افراد با آسیب بینایی نسبت به متوسط جامعه بیشتر است. آنان برای بهره‌مندی از یک زندگی معمولی به وسایل توان‌بخشی، تجهیزات ویژه، شیوه‌های حمل و نقل خاص و دیگر ابزار‌های رفاهی نیازمندند؛ بنابراین به‌منظور جبران این هزینه‌ها لازم است حمایت‌هایی در قالب پرداخت نقدی و غیرنقدی در نظر گرفته شود. این حمایت‌ها حتی در صورت اشتغال فرد نیز می‌بایست انجام شود تا هزینه‌های مازاد زندگی این قشر را جبران کند.

### **در نقد موافقان**

گروهی علی‌رغم پذیرش تبعیض‌هایی که در خصوص افراد با آسیب بینایی در جامعه وجود دارد، دلایل موافقان را به چالش می‌کشند. آنان معتقدند که هرچند پرداخت کمک‌هزینه می‌تواند به‌صورت موقت بخشی از مشکلات معیشتی افراد با آسیب بینایی را برطرف کند، نمی‌تواند در بلند‌مدت به ایجاد فرصت‌های برابر منجر شود. ایجاد شرایط اشتغال نیازمند توسعۀ زیرساخت‌ها است که پرداخت کمک‌هزینه کمکی به آن نمی‌کند.

علاوه بر آن برای کاهش هزینه‌های زندگی افراد با آسیب بینایی می‌توان تدابیر دیگری اندیشید، مثلاً دسترسی‌پذیر کردن وسایل حمل و نقل ارزان می‌تواند این گروه را تا اندازۀ زیادی از اتکا به تاکسی و حمل و نقل گران‌قیمت بی‌نیاز کند، پس ایجاد زیر‌ساخت می‌تواند اثر‌گذاری بیشتری داشته ‌باشد. وسایل توان‌بخشی را نیز می‌توان خرید و پس از نیاز‌سنجی دقیق به دست مخاطبان رساند؛ بنابراین پرداخت پول نقد برای این موضوع نیز لازم نیست.

### **کمک‌هزینه: عاملی برای از بین رفتن انگیزۀ اشتغال**

برخی پرداخت کمک‌هزینه به افراد با آسیب بینایی را بازگشت به عقب و اعمال سیاست‌های شبه‌خیریه می‌دانند. آنان معتقدند حمایت‌های نقدی موجب می‌شود

افراد انگیزۀ خود را برای اشتغال از دست بدهند و به دریافتی حداقلی قانع باشند که این شیوه از پیشرفت آنها جلوگیری می‌کند. در این صورت این قشر که نیاز بسیاری به داشتن شغل احساس نمی‌کنند، تلاشی برای ایجاد زیرساخت‌های اشتغال نخواهند کرد. از بین رفتن مطالبات موجب می‌شود که دولت‌ها نیز ایجاد بستر اشتغال را در اولویت قرار ندهند و درنتیجه تلاشی برای از بین بردن تبعیض‌ها به آن میزان که شایسته است صورت نگیرد. مقایسۀ کشور‌های حوزۀ اسکاندیناوی به‌عنوان پرداخت‌کنندگان کمک‌هزینه با کشور‌های کاپیتالیستی مثل ایالات‌متحده بیانگر این موضوع است.

در ضمن آنان صرف هزینه برای ایجاد زیرساخت‌های اشتغال را راه مناسب‌تری می‌دانند. به باور این گروه، کشور‌هایی که پرداخت کمک‌هزینه را در دستور کار خود دارند، ماهانه مبلغ گزافی را به‌صورت نقدی به جیب افراد سرازیر می‌کنند، حال آنکه می‌توان با این مبلغ گام‌های مهمی برای ایجاد بستر اشتغال برای افراد با آسیب بینایی برداشت؛ برای مثال برنامه‌های مهارت‌آموزی و آگاهی کار‌فرمایان را نسبت به ظرفیت‌های افراد با آسیب بینایی در فضای کار اجرا کرد. شرایط روان‌شناختی را نیز نباید نادیده گرفت. پرداخت کمک‌هزینه می‌تواند نوعی از احساس وابستگی را به افراد القا کند و به ایجاد باور‌های غلطی چون من کاملاً ناتوانم منجر شود.

### **در نقد مخالفان**

از سوی دیگر برخی دلایل مخالفان را زیر سؤال می‌برند. آنان معتقدند که کمک‌هزینه اگر به میزان مناسب و با وجود ساز و کار درست پرداخت شود، انگیزۀ کار را آن‌چنان از بین نمی‌برد. اگر مبلغ کمک‌هزینه در حدود حداقل دستمزد یا کمتر باشد، افراد برای دستیابی به شغل و درنتیجه درآمد بالاتر تلاش می‌کنند.

همچنین انجام طرح‌‌های زیر‌ساختی زمان‌بر است و حذف کمک‌هزینه می‌تواند به از بین رفتن کسانی زیر چرخ‌دنده‌های اقتصاد منجر شود. برخی از افراد با آسیب بینایی، حتی در صورت بهبود زیرساخت‌ها قادر به فعالیت شغلی نیستند، زیرا محدودیت‌های آنان با شرایط دیگری مثل معلولیت مضاعف تشدید شده ‌است؛ بنابراین طرح‌های زیرساختی می‌بایست در کنار پرداخت کمک‌هزینه پیش بروند. شرایط روان‌شناختی افراد نیز در صورت عدم دسترسی به حداقل نیاز‌هایشان، بیشتر ممکن است تهدید شود تا با پرداخت کمک‌هزینه.

### **در ایران کدام سیاست اجرا می‌شود؟**

بنا بر قانون حمایت از حقوق معلولان، میزان مستمری پرداختی به افراد دارای معلولیت می‌بایست به میزان حداقل دستمزد سالانه باشد. همچنین ایجاد بستر اشتغال در مواد مختلفی از این قانون مورد توجه بوده ‌است. وضعیت کنونی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از این دو رویکرد به‌درستی در ایران اجرا نمی‌شود. مبلغ مستمری از آنچه در قانون آمده بسیار کمتر است و بیشتر سیاست‌های منجر به ایجاد زیرساخت اشتغال به‌درستی اجرا نمی‌شود؛ بنابراین شاید شرایط ایران برای بررسی کارایی این دو سیاست مناسب نباشد. به‌منظور بررسی این دو دیدگاه می‌توان سیاست دولت‌های رفاه اجتماعی را با دولت‌های سرمایه‌داری مقایسه کرد.

### **کدام سیاست کارآمد‌تر است؟**

ریشۀ چالش طرح شده در تاریخ اقتصاد سر دراز دارد. بررسی دیدگاه‌های راست و چپ در اقتصاد به‌روشنی این تفاوت را نشان می‌دهد. حال پرسش اینجا است که با توجه به اجرای این دو سیاست در کشور‌های مختلف، کدام‌یک موفق‌تر بوده‌اند؟ آیا می‌توان پژوهش نظام‌مندی برای بررسی دقیق‌تر ابعاد این موضوع انجام داد؟ اگر امکان بهبود شرایط حمایتی در ایران فراهم شود، کدام‌یک می‌تواند مفیدتر باشد؟ آیا ترکیبی از هردو دیدگاه می‌تواند به کار گرفته شود؟

## **مشاغل از نگاه یوتیوبر نابینا**

**مترجم: مریم مشایخی**



سم: سلام رفقا! مثل همیشه به برنامۀ ما خوش اومدید. امروز هم یه مهمون خیلی فوق‌العاده داریم. دوست من، جیمز، قراره برامون راجع‌به شغلش صحبت کنه. خب جیمز! لطفاً خودت رو معرفی کن و قبل از هر چیز از مشکل بیناییت برامون بگو.

جیمز: ممنون که من رو دعوت کردید. اسم من جیمز وُرنْکِن هست و در شمال شرق اوهایو زندگی می‌کنم. بیماری چشمی من یه بیماری پیش‌رونده‌ست به نام «دیستروفی شبکیه»[[8]](#footnote-8) که پانزده‌شانزده‌ سالیه من رو درگیر خودش کرده و اگه بخوام خیلی ساده توصیفش کنم، مثل این می‌مونه که هم‌زمان هم دوربین باشی هم نزدیک‌بین. دید نزدیکم خیلی کاربردی نیست و در فاصلۀ بیشتر از یک و نیم متر هم دیدم تار می‌شه و جزئیات و رنگا رو تشخیص نمی‌دم.

ـ چند دقیقه پیش به من گفتی که میزان بیناییت رو نمی‌دونی. فکر می‌کنم این سؤال به ما کمک کنه، وقتی با کامپیوتر کار می‌کنی میزان درشت‌نمایی که ازش استفاده می‌کنی چقدره؟

ـ معمولاً ۲۰۰ تا ۳۰۰درصد، اما فاصله‌م با مانیتور فقط ده سانتی‌متره. هم به مونیتور نزدیک می‌شم هم شدت درشت‌نمایی رو بالا می‌برم.

ـ چقدر این کار برای من آشناست. خب جیمز! زندگیت رو چطور می‌گذرونی؟

ـ در اصل در دنیای استراتژی بازاریابی تجاری مشغولم، اما به‌تازگی به دنیای دسترس‌پذیری دیجیتال وارد شدم. چون مدرکم در زمینۀ بازاریابی تجاری بود، این کار رو شروع کردم. در این فضا کار‌هایی مثل طراحی وبگاه، بهینه‌سازی موتور جستجو، تبلیغات در گوگل و رسانه‌های اجتماعی رو انجام می‌دادم. حدود دو سال پیش بود که در یک گفتگو بحث دسترس‌پذیری دیجیتال مطرح شد و من بااینکه با معلولیت بزرگ شده بودم و پنج سال هم در کالج درس خونده بودم، در نهایت شگفتی هیچ‌چیز راجع‌به این موضوع نشنیده بودم. خب! من به‌جای شرمندگی و دور شدن از این مبحث به سراغش رفتم و حدود یک سال و نیم در موردش تحقیق کردم، راهنمایی گرفتم و قبل از تصمیم به تغییر شغل، کار‌هایی از این دست انجام دادم؛ چون می‌خواستم در انجام یه کار جدید، بهترین نسخۀ خودم باشم، نه اینکه صرفاً به‌عنوان یک مبتدی کار جدیدی رو شروع کنم و کم‌کم رشد کنم.

ـ خب جیمز! تو یه کم از راهنمایی و آموزشایی که گرفتی حرف زدی. آیا این آموزشا روند عادی‌ای هست که برای ورود به این شغل باید طی بشه یا تو راه خودت رو رفتی؟ به‌طور‌کلی چه آموزشایی برای این شغل وجود داره؟

ـ قطعاً من راه خودم رو رفتم، البته با راهنمایی برخی اساتید. درکل فکر نمی‌کنم راه مستقیم و مشخصی برای ورود به حوزۀ دسترس‌پذیری دیجیتال وجود داشته باشه. این حوزه، تقریباً حوزۀ نامحدودیه، درست مثل استاندارد‌ها و دستورالعملاش. خب! قطعاً شما می‌تونید گاهی آموزشا و حتی دوره‌های آموزشی هم در این زمینه پیدا کنید، اما همۀ اینا به‌نوعی تونلی به سمت انجمن بین‌المللی متخصصان دسترس‌پذیری هستن؛ همون سازمانی که آزمونای پروانۀ دسترس‌پذیری رو برگزار می‌کنن و در نهایت گواهی رو به افراد واجد شرایط که آزمون رو با موفقیت بگذرونن اعطا می‌کنن.

ـ معمولاً ما فکر می‌کنیم برای حوزه‌هایی مثل توسعۀ وبگاه‌‌ها یا فناوری اطلاعات کلاسای آموزشی مشخصی‌ست که افراد رو تا حدی با این حوزه‌ها آشنا می‌کنه. ولی درکل به نظر می‌رسه مفهوم دسترس‌پذیری روز‌به‌روز مرسوم‌تر می‌شه.

ـ یه جوک بین همکاران من هست و اونم اینه که برای هر مدرک چهارساله شاید به‌زحمت یه دورۀ آموزشی راجع‌به دسترس‌پذیری پیدا بشه. در مورد درستی یا نادرستی این نکته نظری ندارم، ولی من واقعاً می‌بینم که به‌مرور زمان از واژۀ دسترس‌پذیری در نرم‌افزار‌ها و وبگاه‌ها خیلی بیشتر از قبل استفاده می‌شه. خیلی می‌شنوم که می‌گن نرم‌افزار ما برای افراد معلول دسترس‌پذیر شده و نه صرفاً برای افراد عادی؛ بنابراین خط خاکستری بین دسترس‌پذیری و قابل استفاده بودن، روزبه‌روز خاکستری‌تر می‌شه و به نظر من این لزوماً چیز بدی نیست.

ـ اگه کسی بخواد این مسیر رو دنبال کنه، به نظر تو به چه آموزشا و تخصصایی نیاز داره؟

ـ راستش من با جستجو در گوگل شروع کردم و اولین چیزی که جستجو کردم راهنمای دسترس‌پذیری محتوای شبکه بود که ورژن فعلیش 1 و 2 هست. خوندن محتوای این راهنما درک عمیق‌تری راجع‌به این حوزه به ما می‌ده. بعد از اون می‌تونید مطالبی رو جستجو کنید که کنجکاوی شما رو قلقلک می‌ده. واقعیت اینه که دنیای دسترس‌پذیری بسیار گسترده‌ست، مثلاً شما می‌تونید بر بحث دسترس‌پذیری چندرسانه‌ای، دسترس‌پذیری وبگاه‌ها، نرم‌افزار‌های تلفن همراه، پرونده‌ها یا مدیریت پروژه تمرکز کنید، البته از راهنمای کاربردی اونا هم استفاده کنید.

ـ خب! بریم سراغ ابزار‌ا. برای این شغل از چه ابزار‌ایی استفاده می‌کنی؟ نرم‌افزار، سخت‌افزار، زمان، وسیلۀ حمل و نقل، به‌طورکلی به چه ابزار‌ایی نیاز داری؟

ـ زیبایی فضای دسترس‌پذیری دیجیتال، به‌خصوص وقتی در حوزۀ تست نرم‌افزار‌ا و وبگاه‌ها و متنا کار می‌کنی، اینه که از هر ابزار دسترس‌پذیری، چه نرم‌افزار و چه سخت‌افزار، که شما باهاش راحتید، می‌شه استفاده کرد؛ درواقع شرکتایی هستن که برای تست نرم‌افزار‌ا، متنا و وبگاه‌هاشون دنبال افرادی می‌گردن که ازشون کمک بگیرن؛ بنابراین شما با هر ابزاری که راحتید، می‌تونید فرصتای شغلی متناسب با اون ابزار مورد نظرتون رو پیدا کنید و با هر ابزاری که باهاش راحتید کار کنید، مثلاً من با متنای درشت‌خط، مرورگر‌ای دسکتاپ، افزایش اندازۀ متن و استفاده از تضاد رنگا در موبایل و صفحه‌خوان ان‌وی‌دی‌ای استفاده می‌کنم و وقتی قراره دسترس‌پذیری وبگاهی رو تست کنم، حوزۀ کار من می‌شه همون ابزار‌ایی که کار باهاشون برام راحته، مثلاً متناسب بودن تضاد رنگا در یک وبگاه رو تست می‌کنم. خیلی از این موارد هست که شما می‌تونید انتخاب کنید و در اونا مهارت پیدا کنید. حوزۀ دسترس‌پذیری با در نظر گرفتن انواع معلولیتا اون‌قدر گسترده‌ست که شما باید مبحث مورد علاقۀ خودتون رو پیدا و در اون مهارت پیدا کنید.

ـ قبل از این شغلا شغلای دیگه‌ای هم تجربه کردی؟

ـ بله! در سال اول کالج فقط شش هفته توی یه رستوران کار می‌کردم. به نظرم اونا متوجه مشکل بینایی من نشدن و من رو برای انجام همۀ کار‌ها بیرون می‌فرستادن و این خیلی برای من استرس‌زا و خسته‌کننده بود. بعد از اون یه تولیدی کوچیک تی‌شرت و هودی راه انداختم. بعد همه چی دومینووار پیش رفت و توجه‌ها به سمت کار من جلب شد. مردم می‌پرسیدن چطور می‌تونی تو فضای مجازی این‌قدر دنبال‌کننده داشته باشی. پس شروع کردم به کار‌هایی مثل مشاوره در زمینۀ بازاریابی. درنهایت با شرکتا و سازمانای زیادی در این حوزه کار کردم و از هر فرصتی برای کار کردن تو این حوزه استفاده کردم و درنهایت به این شغل رسیدم.

ـ چقدر عالی جیمز! خیلی ممنونم از اینکه قصۀ خودت رو با ما به اشتراک گذاشتی.

## **معلولان و مالیات**

نگین حیدری: کنشگر حوزه حقوق معلولان



**در هشتمین شماره از مجموعۀ معلولان و قوانین ایران، در گفتگو با آقای دکتر باقر قلی، فارغ‌التحصیل مقطع دکتری حقوق خصوصی و رئیس گروه حسابرسی ادارۀ مالیاتی، با موضوع معلولان و مالیات، همراه شما هستیم.**

**مهمان این شماره در مقدمه، مالیات را مخارج و هزینه‌هایی می‌داند که افراد جامعه بر اساس قانون برای اعمال حاکمیت دولت‌ها و ادارۀ کشور پرداخت می‌کنند و قدمت پرداخت آن به تاریخ ایجاد حکومت‌ها برمی‌گردد.**

**او اضافه می‌کند: حکومت‌ها برای فراهم کردن بهداشت، امنیت، آموزش و...بر اساس قانون این وجوه را دریافت می‌کنند و مهم‌ترین ابزار توزیع ثروت و عدالت در جامعه است. برخلاف باور عمومی در سال‌های اخیر وصول مالیات از اقشار مختلف جامعه بیشتر نشده، بلکه به‌ سمت عدالت ‌و‌ شفافیت حرکت کرده ‌است.**

**او در خصوص مشمولین پرداخت مالیات می‌گوید: بر اساس مادۀ 1 قانون مالیات‌های مستقیم، هر ایرانی که در داخل یا خارج از ایران درآمد کسب کند یا اموال ‌و ‌دارایی داشته ‌باشد، مشمول پرداخت مالیات است. مادۀ 2 قانون هم گروه‌هایی را از پرداخت مالیات معاف می‌کند که غالباً وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های دولتی هستند، البته به‌طور استثنایی گروه‌های دیگری هم از پرداخت مالیات معاف شده‌اند، مثلاً کشاورزان که البته نقد‌هایی هم در خصوص معافیت کلی این گروه وجود دارد، چون حتی کشاورزی‌های صنعتی بزرگ با درآمدهای بسیار بالا از این معافیت استفاده می‌کنند.**

**این کارشناس امور مالیاتی، در ادامه مالیات را در یک تقسیم‌بندی بزرگ به دو گروه مالیات مستقیم و مالیات غیر‌مستقیم تقسیم می‌کند. او می‌گوید: مالیات مستقیم مالیاتی است که بدون واسطه و مستقیم بر اساس درآمد افراد بر اساس قانون از آنها اخذ می‌شود؛ مالیاتی که افراد معمولاً دارای پرونده‌های مالیاتی و کد ‌اقتصادی و از نظر سازمان ‌امور ‌مالیاتی شناخته‌شده هستند. در مالیات ‌غیر‌مستقیم مالیات‌دهندگان مشخص نیستند، مثلاً خریدی که فرد از یک رستوران انجام ‌‌می‌دهد و ارزش ‌افزوده‌ای می‌پردازد. مالیات بر ارزش‌افزوده، مالیات بر مصرف و ارائۀ خدمت است. پرداخت‌کنندگان مالیات ‌غیر‌مستقیم در سازمان امور مالیاتی پروندۀ مالیاتی ندارند.**

**او اضافه می‌کند: مالیات مستقیم به دو گروه تقسیم می‌شود؛ مالیات ‌بر‌ درآمد و مالیات ‌بر‌ دارایی. مالیات بر درآمد مثل مالیات بر درآمد ‌املاک و مالیات ‌بر‌ مشاغل ‌و‌ حقوق و مالیات ‌بر ‌دارایی که به آن «مالیات ‌بر‌ ثروت» هم گفته می‌شود، مثل مالیات بر ارث و مالیات بر حق تمبری که بر جوازها و...الصاق می‌شود.**

**مهمان این شماره از مجموعۀ معلولان و قوانین ایران، ادامه می‌دهد: افرادی که به ادارۀ ‌امور ‌مالیاتی وارد می‌شوند با گروه حسابرسان سر‌و‌کار دارند که در دو دستۀ خدمات ‌مؤدیان و گروه‌ رسیدگی هستند. عمده کار مؤدیان با گروه خدمات مؤدیان و وصول ‌مالیات است. این گروه پروندۀ مالیاتی را تشکیل می‌دهند و اوراق‌ مالیاتی را یا به‌صورت حضوری به درِ خانه‌های مؤدیان یا از طریق ارسال پیامک ابلاغ می‌کنند. سامانۀ my tax هم ویژۀ مؤدیان و امور ‌مالیاتی است که در همان پیامک، لینک آن در دسترس مؤدیان برای دسترسی آنها به کارپوشۀ خود و دیدن اوراق ‌مالیاتی قرار می‌گیرد.**

**او اضافه می‌کند: مهم‌ترین برگه‌ای که در ابتدا به مؤدیان ابلاغ می‌شود، برگ تشخیص ‌مالیاتی است. مؤدیان نباید مهلت‌های مقرر در این برگه را که در زمینۀ پرداخت یا تخفیف یا اعتراض به مالیات وجود دارد، از دست بدهند. با از بین رفتن این مهلت‌ها، برگ تشخیص قطعی می‌شود و مؤدی با اقدامات اجرایی ادارۀ مالیاتی ازجمله: پلمپ مرکز، ممنوع‌الخروجی، توقیف حساب بانکی و...مواجه می‌شود**

**. این حقوق‌دان مهم‌ترین قوانین حاکم بر مالیات را، قانون مالیات‌های مستقیم، قانون ارزش افزوده و قانون پایانۀ فروشگاهی و سامانۀ مؤدیان معرفی می‌کند. او در پاسخ به سؤال وجود یا عدم وجود معافیت ‌مالیاتی برای افراد ‌دارای ‌معلولیت توضیح می‌دهد: در قانون، معافیت ویژه‌ای در پرداخت مالیات برای معلولان، حتی با ارائۀ معرفی‌نامه از بهزیستی، نه در زمینۀ مشاغل نه در زمینۀ حقوق وجود ندارد و این یک خلأ قانونی است که باید به‌منظور جبران هزینه‌های ناشی از نابرابری فرصت‌ها، مورد مطالبۀ تشکل‌ها و فعالان حوزۀ حقوق معلولان قرار گیرد، البته قبل از اصلاحات قانون ‌مالیات‌های ‌مستقیم در سال 1394 در خصوص مالیات ‌بر‌ ارث، معلولان معافیت‌هایی داشتند، ولی این معافیت در اصلاح قانونی اخیر حذف شد. در پیش‌نویس قانون حمایت از معلولان، بسته به شدت معلولیت، در ‌زمینۀ مالیات بر حقوق، معافیت‌هایی در نظر گرفته شده ‌بود، ولی این معافیت‌ها به متن قانون راه نیافت و در قانون حمایت از معلولان سال 1396، تنها سرپرستان فرد معلول از معافیت 50درصدی حقوق و دستمزد بهره‌مند هستند و برای خود معلولان معافیتی در این خصوص پیش‌بینی نشده ‌است. باید توجه داشت امتیاز مقرر در مادۀ 137 قانون مالیات‌های مستقیم به‌منظور معافیت نیست، بلکه افراد معلول و سرپرستان آنها می‌توانند هزینه‌های درمان، مراقبت و توانمندسازی را که به تأیید وزارت بهداشت رسیده‌ است، به ادارۀ ‌مالیاتی اعلام کنند و از درآمد ‌مشمول ‌مالیات آنها، کم می‌شود.**

**مهمان این شماره در پایان به مشمولان پرداخت‌ مالیات توصیه می‌کند: مهم‌ترین وظیفۀ مؤدیان، دارندگان دستگاه کارت‌خوان با تراکنش‌های بالا و کسانی که در ادارۀ مالیات پروندۀ مالیاتی دارند، این است که بسته به نوع مشاغل در خرداد یا تیرماه هرسال نسبت به تکمیل و ارائۀ اظهارنامۀ ‌مالیاتی اقدام کنند. انجام ندادن تکلیف آنها را با جرائم غیرقابل‌بخشش مواجه می‌کند و نمی‌توانند از معافیت‌های مقرر قانونی، ازجمله مادۀ 101 قانون‌ مالیات‌های ‌مستقیم یا بخشودگی جرائم استفاده کنند. سامانۀ 1526 در سراسر کشور برای پاسخ به پرسش‌های مالیاتی و رفع ابهامات، در دسترس قرار دارد.**

**علاقه‌مندان به آشنایی با مباحث مربوط به معلولان و مالیات، می‌توانند مشروح این گفتگو را در پادکست** **ضمیمه که از طریق وبگاه و کانال‌های نسل مانا قابل دریافت است دنبال کنند.**



بهار است و لب جوی و دل آرام

بیا ساقی بیاور باده و جام

بنوشان بادۀ ناب جگرسوز

که دلگیرم از این آلوده ایام

## **همزیستی کبوتران در سرمای زمستان (چگونگی ازدواج افراد نابینا و کم‌بینا )**

**مسعود طاهریان: مددکار** [**مؤسسۀ حمایت از بیماران چشمی آرپی**](https://iran-rp.ir/)

### **مقدمه**



ازدواج و رابطۀ عاطفی برای نابینایان و کم‌بینایان تجربه‌ای مفید و آرام‌بخش است که به آنها کمک می‌کند تا خودشان را بهتر بشناسند و روابطشان را بهبود ببخشند. این ارتباط یک تصویر منسجم را از نقاط قوت و ضعف فراهم می‌کند و باعث می‌شود افراد از خودخواهی و خودشیفتگی دور شوند و با وجود مشکلات و مسئولیت‌هایی که دارند، زندگی‌شان را لذت‌بخش‌تر ببینند، ولی بعضی نابینایان و کم‌بینایان در ازدواج به دنبال خانوادۀ گم‌شده‌شان هستند؛ درنتیجه سلیقه، استقلال و شرایط طرف مقابل را در نظر نمی‌گیرند و توقع دارند شریک عاطفی‌شان تصویر خیالی آنها را جامۀ عمل بپوشاند، دوست دارند مالک دیگری باشند و او را مطابق میل خودشان تغییر دهند. از سوی دیگر انجام کار‌ها و وظایفی را که خود نمی‌توانند یا نمی‌خواهند برعهده بگیرند، به گردن همسرشان می‌اندازند، درحالی‌که قرار نیست بعد از ازدواج، هیچ‌کدام از طرف‌های ارتباط شبیه به دیگری شود و فردیتشان از بین برود یا بار دیگری را به دوش بکشد. اگر کسی به‌جز آرامش و رشد انتظاری از ازدواج داشته ‌باشد، رابطه‌ای که دارد، دیر یا زود، دچار مشکل خواهد شد.

ازدواج رابطه‌ای پیچیده است که نا‌خود‌آگاه فردی و جمعی دو طرف را به هم پیوند می‌زند؛ درواقع افراد با فرهنگ و خانوادۀ همسرشان هم ازدواج می‌کنند و باید به باور‌ها و آداب و رسوم آنها نیز احترام بگذارند؛ چراکه گذشته و نزدیکان تأثیر مهمی بر تفکر و عمل افراد دارند.

بر اساس نظام دل‌بستگی، همسر می‌تواند منبع دل‌بستگی جدیدی برای نابینایان و کم‌بینایان باشد و هر یک از دو طرفِ ارتباط، امکان دارد پایگاه امنیت و آرامش دیگری قرار بگیرند؛ در این صورت افراد شریک عاطفی و منبع دل‌بستگی‌شان را با هر شرایطی که دارد، می‌پذیرند و استقلالش را به رسمیت می‌شناسند، درحالی‌که اشخاص وابسته تنها به طرف مقابل خود عادت می‌کنند.

ازدواج رابطه‌ای عاطفی است که بر اساس تعهد، صمیمیت و هیجان بنا می‌شود. زوجین به یکدیگر وفادار هستند، در غم و شادی همدیگر را حمایت می‌کنند و از فانتزی‌های انگیزشی و هیجانی شور‌انگیز لذت می‌برند. درکل علایق و سلیقه‌های یکدیگر را در نظر می‌گیرند و باهم تجربه‌های عاطفی خوشایندی رقم می‌زنند. اگر یکی از این سه عنصر از بین برود، زندگی مشترک دچار خشکی، ملال و طلاق می‌شود.

از سوی دیگر در شرایط کنونی نسبتاً سنتی و غیرمدرن کشور، این افراد برای ازدواج کمتر می‌توانند انتخابی داشته باشند یا مورد انتخاب قرار بگیرند؛ چراکه در حال حاضر فضای جامعه و امکانات اجتماعی برای افراد نابینا و کم‌بینا به‌صورت کامل دسترس‌پذیر نیست و انتظارات و نقش‌های جنسیتی اجتماعی، به‌ویژه برای خانم‌ها در شرایط کنونی کشور، دیدن را مطالبه می‌کند و انجام وظایف خانوادگی و اجتماعی کم و زیاد نیاز به ادراک بینایی دارد. همچنین نابینایان و کم‌بینایان ایرانی به علت تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی، نمی‌توانند به‌صورت آزاد و گسترده به تمامی فناوری‌های نوین جهانی در زمینۀ [نرم‌افزار](https://naslemana.com/2023/07/19/%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D9%87-%D8%A7%D8%A8%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D8%AA%D9%84%D8%A7%D8%B7%D9%85-%DA%AF%D8%B1%D9%85%D8%A7-%D8%A2%D8%B4%D9%86%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%A8%D8%A7-%D9%86%D8%B1%D9%85%D8%A7/) و [سخت‌افزار](https://naslemana.com/2023/06/21/%da%af%d8%b1%d9%85%d8%a7%db%8c-%d8%a7%d9%84%da%a9%d8%aa%d8%b1%db%8c%d8%b3%db%8c%d8%aa%d9%87-%d8%af%d8%b1-%d8%b9%d8%b6%d9%84%d8%a7%d8%aa-%db%8c%d8%ae%d8%b2%d8%af%d9%87-%d8%a2%d8%b4%d9%86/) کمک‌توان‌بخشی دسترسی داشته باشند تا محدودیت‌های ناشی از معلولیت بینایی را در زندگی روزمرۀ خود کاهش دهند. این عوامل در کشور شرایطی را رقم می‌زند که شانس ازدواج افراد کم‌بینا بیشتر از نابینایان و آقایان بیشتر از خانم‌های با آسیب بینایی بشود. در همین راستا بررسی‌های غیر‌رسمی بیانگر آن است که آقایان کم‌بینا نسبت به همنوعانشان بیشتر ازدواج می‌کنند، اما متأسفانه خانم‌های نابینا معمولاً مجرد می‌مانند، مگر آنکه صفات و ویژگی‌های خاصی داشته باشند که آنها را از دیگران متمایز کند. آقایان نابینا و خانم‌های کم‌بینا هم کم و بیش شانس ازدواج مشابهی دارند.

### **اَشکال و گروه‌بندی ازدواج**

آمار دقیق و رسمی‌ای در زمینۀ چگونگی ازدواج افراد نابینا و کم‌بینا وجود ندارد. تخمین‌های موجود هم از مشاهدات میدانی و آمار‌های محدود مراکز توان‌بخشی به دست می‌آید، ولی درکل علاقۀ همسرگزینی افراد نابینا و کم‌بینا را می‌توان به سه گروهِ برون‌گروهی، درون‌گروهی یا بین‌گروهی تقسیم کرد. در گروه اول، افراد نابینا یا کم‌بینا تمایل دارند که با اعضای بینا و غیرمعلول جامعه ازدواج کنند. به نظر می‌رسد این نوع ازدواج شرایط آرمانی بسیاری از نابینایان و کم‌بینایان است و بر اساس مشاهدات غیررسمی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد. همان‌گونه که گفته شد، در این نوع، آقایان نابینا و کم‌بینا بیشتر از خانم‌های دارای آسیب بینایی ازدواج می‌کنند.

در گروه دوم، افراد با آسیب بینایی با یکدیگر تشکیل خانواده می‌دهند که به سه شکلِ ازدواج کم‌بینا با کم‌بینا، ازدواج نابینا با کم‌بینا و ازدواج نابینا با نابینا دیده می‌شود. گاهی اوقات هم پیش می‌آید یک یا دو طرف رابطه هنگام ازدواج شرایط بینایی بهتری دارند، اما به علت پیش‌روندگی برخی از بیماری‌های چشمی و آسیب‌های بینایی، به‌مرور زمان دید آنها کمتر می‌شود. ازدواج افراد کم‌بینا با کم‌بینا بسیار رواج دارد و شاید از نظر فراوانی دومین جایگاه را دارد. تشکیل خانوادۀ افراد کم‌بینا با نابینا سومین شکل رایج ازدواج است. در این حالت هم مردان نابینا ترجیح می‌دهند با زنان کم‌بینا ازدواج کنند. ازدواج افراد نابینا با نابینا هم به‌عنوان چهارمین جایگاه فراوانی، مشاهده می‌شود.

در گروه سوم، افراد نابینا و کم‌بینا گرایش دارند تا با اشخاصی ازدواج کنند که معلولیتی به‌جز بینایی دارند. به نظر می‌رسد این نوع از ازدواج در بین افراد آسیب‌دیدۀ بینایی، کمترین میزان فراوانی را دارد. ظاهراً افراد دارای سایر معلولیت‌ها چندان استقبال نمی‌کنند با نابینایان و کم‌بینایان زندگی مشترک تشکیل بدهند. این موضوع شاید به‌خاطر مشکلات جانبی‌ای است که احتمال دارد با همراهی دو نفر با معلولیت متفاوت پیش بیاید.

### **آسیب‌شناسی اشکال ازدواج**

درکل از نظر روانی ازدواج درون‌گروهی یا بین‌گروهی برای افراد با آسیب بینایی اطمینان خاطر و اعتمادبه‌نفس به همراه دارد؛ چراکه میزان همدلی و همراهی بین دو طرف ارتباط بیشتر است و در بحبوحۀ مشکلات زندگی، هیچ‌کدام از آ‌نها حس سرباری یا برتری‌جویی نسبت به دیگری ندارد. در مقابل اگر افراد با آسیب بینایی با اشخاص بینا و حتی کسانی که دید بهتری نسبت به آنها دارند، خانواده تشکیل دهند، می‌توانند بیشتر از امکانات و لذت‌های دیداری استفاده کنند؛ به‌خاطر‌همین زوج‌هایی که هر دو کم‌بینا یا یکی کم‌بینا و دیگری نابینا هستند، در زندگی مشترکشان مشکلات کمتری دارند.

متأسفانه بیشترین آمار طلاق افراد با آسیب بینایی مربوط به ازدواج‌های برون‌گروهی است. با اینکه همسران بینا می‌توانند در تمامی امور دیداری کمک‌حال شریک نابینا یا کم‌بینایشان باشند، اما یک ناراحتی مزمن در چنین ازدواج‌هایی وجود دارد؛ افراد نابینا و کم‌بینا می‌ترسند که همسر بینایشان خود را برتر بداند و به‌خاطر مشکلات و محدودیت‌های ناشی از ندیدن خسته بشود یا آنها را سرزنش و تحقیر کند. همچنین نابینایان و کم‌بینایان معمولاً از خود می‌پرسند آیا از نظر ظاهری و جنسی جذاب هستند و می‌توانند نیاز‌های دیداری همسرانشان را برطرف کنند؛ بنابر‌این نگران خیانت و ترک همسران بینایشان هستند. کم پیش می‌آید که اعضای بینا و غیرمعلول جامعه بخواهند با نابینایان و کم‌بینایان ازدواج کنند، مگر آنکه دل‌بستگی عاطفی شدید بین دو طرف شکل گرفته باشد یا افراد با آسیب بینایی وضعیت مالی، شغلی و اجتماعی چشمگیری داشته باشند یا همسران بینا متعلق به خانواده‌هایی با سبک زندگی سنتی، سواد پایین‌تر از تحصیلات دانشگاهی، با وضعیت اقتصادی ضعیف و پرجمعیت از نظر خانوادگی باشند؛ علاوه بر این افراد بینایی هستند که جنبه‌های مذهبی و معنوی را در نظر می‌گیرند و به‌خاطر ثواب، حاضر می‌شوند که با این افراد ازدواج کنند. اگر اعتقادات مذهبی و عواطف معنوی موجود قوی باشد، این نوع ازدواج‌ها پابرجا می‌مانند، ولی نابینایان و کم‌بینایان همواره مجبورند خود را با همسران بینایشان هماهنگ کنند و شرایط زندگی مذهبی آنها را بپذیرند.

با توجه به شرایط کنونی کشور، ازدواج افراد نابینا با یکدیگر سخت‌ترین نوع ازدواج است و به مشکلات بسیاری برمی‌خورند. نبود بینایی در هر دو طرفِ ارتباط باعث می‌شود در زمینه‌هایی چون رفت و آمد در سطح جامعه، خانه‌داری، حفظ آراستگی و بهداشت فضای خانه و اعضای خانواده، تشخیص فساد مواد غذایی، غذا و دارو دادن به خردسالان و مراقبت از آنها در برابر خطرات احتمالی، [مدیریت مباحث آموزشی فرزندان](https://naslemana.com/2022/11/21/%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%AF%DB%8C%D9%86-%D8%A8%D8%A7-%D8%A2%D8%B3%DB%8C%D8%A8-%D8%A8%DB%8C%D9%86%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D9%88-%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA-%D8%A7%D9%85%D9%88%D8%B1-%D8%AA%D8%AD%D8%B5/) و ... دشوار شود. از سویی زوج‌های نابینا با خطر انزوای اجتماعی مواجه هستند؛ چراکه در حالت عادی افراد نابینا جذابیت خاصی برای اعضای بینای جامعه ندارند و داوطلب نیستند با آنها ارتباطی داشته باشند. عموم جامعه فکر می‌کند تعامل با نابینایان همراه با گرفتاری و دردسر است، مگر آنکه این زوج نابینا ویژگی‌های خاصی داشته باشند. همچنین مشارکت و هم‌نوایی اجتماعی این افراد کمتر است. چون نمی‌بینند، موقعیت‌های بحرانی را درست و به‌موقع متوجه نمی‌شوند و به‌تبع آن در موقعیت‌های اجتماعی واکنش‌های جامعه‌پسند را نشان نمی‌دهند و نمی‌توانند در حل بحران‌ها، کمک‌حال دیگران باشند. نتیجۀ این مسئله فاصله گرفتن هرچه بیشتر سایر اعضای جامعه از زوج‌های نابینا خواهد بود. معمولاً نابینایانی می‌توانند بر این مشکلات غلبه کنند که به یکدیگر بسیار علاقه‌مندند، مجهز به انواع تجهیزات و نرم‌افزار‌های کمک‌توان‌بخشی هستند، تسلط کامل بر مهارت‌های زندگی و روزمره دارند و به‌خوبی با [مهارت‌های ارتباطی](https://naslemana.com/2023/10/22/%D8%A7%D8%AA%D8%AD%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D9%88%D8%B1%DA%86%D9%87%D9%87%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%A8%D8%B1-%D8%B3%DB%8C%D9%84%D8%A7%D8%A8-%D9%86%D9%82%D8%B4-%D9%85%D9%87%D8%A7/) آشنا هستند.

نابینایان و کم‌بینایانی هم که با سایر معلولان ازدواج می‌کنند، با اینکه کمتر درگیر نا‌کامی‌های ناشی از ندیدن هستند و آرامش و اعتمادبه‌نفس بیشتری دارند، در زندگی خانوادگی خود با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند که مربوط به وضعیت جسمانی همسرانشان است؛ برای مثال انجام امور روزانۀ خانه، همسران دارای معلولیت جسمی‌حرکتی را زودتر خسته می‌کند یا افراد کم‌شنوا با مشکلات ارتباطی دست‌به‌گریبان‌اند.

جدا از این مسائل با اینکه افراد نابینا و کم‌بینا شرایط و نیاز‌های خاصی دارند، هیچ خدمت مشخصی در کشور برای تشویق و تسهیل فرایند ازدواج آ‌نها نیست و ارگان‌های عمومی یا مخصوص افراد معلول هیچ حمایتی در این زمینه ندارند. این افراد تنها مشابه سایر اعضای جامعه می‌توانند از وام ازدواج بهره بگیرند.

### **راهبرد‌های بهبود کیفیت و بهداشت ازدواج**

اقداماتی وجود دارد که می‌تواند وضعیت ازدواج افراد نابینا و کم‌بینا را بهبود بخشد و عامل تداوم زندگی مشترک و بهداشت روانی خانواده‌شان باشد. نیکوست این افراد سبک زندگی سنتی و باورها و نقش‌های کلیشه‌ای را کنار بگذارند و شیوۀ منحصربه‌فرد خود را پیدا کنند. بعد روی مهارت‌های زندگی روزمره مانند آشپزی و کار با اپلیکیشن‌ها مسلط شوند. همچنین از امکانات جدید تسهیل‌کنندۀ زندگی مانند لوازم آشپزخانه بهره بگیرند و از فناوری‌های کمک‌توان‌بخشی مانند صفحه‌خوان‌ها و درشت‌نمایی‌ها استفاده کنند، البته لازم است ابتدا یک [شغل مناسب](https://naslemana.com/2023/12/21/%d9%87%d9%85%d8%b3%d8%b1%d8%a7%db%8c%db%8c-%d9%86%d9%87%d9%86%da%af%d9%87%d8%a7-%d8%af%d8%b1-%d9%85%db%8c%d8%a7%d9%86-%d8%a2%d8%a8%d9%87%d8%a7%db%8c-%d8%a2%d9%84%d9%88%d8%af%d9%87/) و استقلال مالی نسبی برای خود فراهم کنند. این مؤلفه‌ها، استقلال و اعتماد‌به‌نفس این افراد را افزایش می‌دهد.

افراد نابینا و کم‌بینا می‌توانند با گسترده کردن روابط اجتماعی‌شان، کم‌کم گزینه‌هایی برای ازدواج پیدا کنند، ولی باید فانتزی‌های خیالی را مانند ازدواج صرفاً با افراد بینا یا ثروتمند کنار بگذارند. این افراد می‌بایستی به دنبال کسانی باشند که ندیدن را تنها یک ویژگی فردی بدانند و تلاش کنند با دیگری رابطۀ عاطفی بسازند؛ چراکه روابط عاطفی‌شان معمولاً به ازدواج منجر می‌شود.

در این راستا [آموزش و پرورش استثنایی](https://naslemana.com/2023/02/19/%d8%b3%d9%88%d8%b3%d9%88%db%8c-%d9%81%d8%a7%d9%86%d9%88%d8%b3-%d8%af%d8%b1%db%8c%d8%a7%db%8c%db%8c-%d8%af%d8%b1-%d9%85%d9%87-%d8%ae%d8%af%d9%85%d8%a7%d8%aa-%d8%b3%d8%a7%d8%b2%d9%85%d8%a7%d9%86-%d8%a2/)، [سازمان بهزیستی](https://naslemana.com/2023/03/20/%da%86%d8%aa%d8%b1%db%8c-%d8%b2%db%8c%d8%b1-%d8%a8%d8%a7%d8%b1%d8%a7%d9%86-%d8%ae%d8%af%d9%85%d8%a7%d8%aa-%d8%b3%d8%a7%d8%b2%d9%85%d8%a7%d9%86-%d8%a8%d9%87%d8%b2%db%8c%d8%b3%d8%aa%db%8c-%d8%a8%d8%b1/)، [مؤسسات و انجمن‌های مخصوص آسیب بینایی](https://naslemana.com/2023/04/18/%d8%b1%d9%82%d8%b5-%d8%b4%d9%87%d8%a7%d8%a8-%d8%b3%d9%86%da%af%d9%87%d8%a7-%d8%af%d8%b1-%d8%b4%d8%a8-%da%a9%d9%88%db%8c%d8%b1-%d8%a2%d8%b4%d9%86%d8%a7%db%8c%db%8c-%d8%a8%d8%a7-%d8%aa%d8%b4/) هم می‌توانند در زمینۀ پرورش و توان‌بخشی افراد نابینا و کم‌بینا فعال‌تر بشوند و انواع مهارت‌های زندگی را به آنها آموزش دهند. همچنین رسانه‌های جمعی ظرفیت آن را دارند که برنامه‌های آگاهی‌بخش دربارۀ شناخت واقعی نقاط قوت و ضعف افراد نابینا و کم‌بینا بسازند و نگرش عموم جامعه را تغییر بدهند.

بهار آمد به باغ آمد گل یاس

تماشایی شده گل‌های گیلاس

بگوییدش به او دیوانه گشته

مهاجر از فراقش ایها‌الناس

## **نقاشی با کلمات**

## **قسمت دوم: توصیف صوتی چیست؟**

**جواد سقا: دانش‌آموختۀ دکتری علوم ارتباطات**



با توجه به اینکه فیلم و سینما هنری عمدتاً بصری هستند، طبیعی است که فرد بینا خوانش خود را از تصویر داشته باشد، معناسازی کند و آن را توصیف و تفسیر کند. ﺍﻳﻦ ﻣﻌﺎﻧﯽ ﮔﺎﻫﯽ واضح ﻭ ﺁﺷﮑﺎﺭ هستند ﻭ ﮔﺎﻩ در لفافه‌اند ﻭ ﻧﻴﺎﺯ به تفسیر دارﻧﺪ. ﺗﻔﺴﻴﺮ ﻳﮏ ﻓﻴﻠﻢ ﺑﻪ ﺩﺭک ﺁﻥ ﮐﻤﮏ می‌ﮐﻨﺪ. حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که خوانش تصویر نابینایان از فیلمی که برایشان روایت می‌شود، چگونه تجربه‌ای است؟

حس بینایی گاه مفاهیمی از فیلم را منتقل می‌کند که فقط باید آنها را دید و درک آن مفهوم با سایر حواس بسیار مشکل است. نابینایان فیلم را گوش می‌کنند و دریافتشان بر اساس توصیف راوی از فیلم است، البته اگر راوی فیلم، مفاهیم را به‌درستی منتقل کند که خود این مطلب نیز حائز اهمیت است. تولید AD فیلم که با یک نگاه ساده‌انگارانه کار آسانی به نظر می‌رسد، فرایندی کاملاً تخصصی است که مورد توجه نهادهای دولتی در کشورهای مختلف بوده و سرمایه‌گذاری‌های بسیاری برای تعیین استانداردهای تولید توصیف صوتی برای فیلم در کشورهای غربی صورت گرفته است. پس لازم است جامعه و نهادهای دولتی حامی نابینایان و کم‌بینایان، به‌ویژه فعالان حوزۀ تولید توصیف صوتی فیلم و جامعۀ هدف با آن بیشتر آشنا شوند. تنها علاقه‌مندی حامیان نابینایان و کم‌بینایان به تولید AD یا توصیف صوتی فیلم و عدم آشنایی فعالان این حوزه با استاندارهای تولید AD و ویژگی‌های توصیف‌کنندگان صوتی، سطح کیفی فیلم‌های توصیف صوتی‌شده را ارتقا نمی‌بخشد؛ بنابراین آشنایی با توانایی‌های یک توصیف‌کنندۀ آموزش‌دیده، اصول و استانداردهای تولید AD و درنتیجه بالا رفتن سطح کیفی توضیحات صوتی فیلم‌ها باید هدف باشد؛ چراکه توصیف صوتی فیلم در دنیا به‌عنوان یک حرفه به مهارت‌ها و دانش بالایی نیاز دارد. از این طریق باید در بهره‌مندی بهتر افراد دارای اختلال بینایی از این امکان فرهنگی کمک کرد. بیشتر سینماهای دنیا در حال حاضر به‌صورت AD فیلم را برای نابینایان نمایش می‌دهند. اگر این کار با دقت انجام شود، در ایران این پتانسیل را دارد که علاوه‌بر فیلم‌ها به ژانرهای تئاتر و سایر هنرها هم اضافه شود. تنها از طریق همکاری با یکدیگر است که می‌توانیم توصیف صوتی استاندارد و فراگیر را که هم تماشاگران هم فیلم‌ها سزاوار آن هستند تولید کنیم.

در توصیف صوتی تمرکز بیشتر بر مهم‌ترین مرحلۀ تولید AD، یعنی چگونگی نوشتن متن توصیف‌ها و آگاهی نویسندگان از استانداردهای این کار است؛ چراکه توصیفگران با نگاه دقیق و خوانش درست تصاویر، آنها را با کلماتی موجز و تصویری به مخاطبان منتقل می‌کنند.

### **توصیف صوتی چیست؟**

توصیف صوتی (AD) می‌تواند برای هر بازنمایی رسانه‌ای پویا یا ایستا انجام شود؛ بنابراین از یک تور گردشگری با راهنما در شهر یا یک فیلم سه‌بعدی تا یک نقاشی می‌تواند توصیف صوتی شود. شرح صوتی را می‌توان حالت بسیار خاص از ترجمۀ محدود در نظر گرفت؛ جایی که در آن متنِ مقصد و در این مورد، تصویر، تابع سایر الزامات است. به‌طور خاص ممکن است تصویر به‌عنوان یک نوع ترجمۀ محدود بین نشانه‌شناختی دیده شود، زیرا توضیحات، زمانی که با سندی که تصاویر در آن گنجانده شده است همراه نباشند، به‌خودی‌خود معنا ندارند. مخاطبان توصیف صوتی طیف وسیعی از افراد مختلف هستند. هدف این روایت اضافی در دسترس قرار دادن محتوای محصول سمعی و بصری برای همه است. در مادۀ 9 کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد در سال 2008 گفته شده است: «افراد معلول باید به اطلاعات و ارتباطات، ازجمله فناوری‌ها و سیستم‌های اطلاعات و ارتباطات و سایر امکانات و خدماتی که در مناطق شهری و روستایی برای عموم ارائه می‌شود، همانند سایر افراد جامعه دسترسی داشته باشند.» خدماتِ دسترسی وسیله‌ای برای انجام این کار است و AD یکی از این خدمات است.

توصیف‌ها به افراد دارای نقص بینایی امکان دسترسی به تصاویر جدایی‌ناپذیر یک اثر هنری خاص را می‌دهد. توصیف صوتی فیلم و ویدئو، تلویزیون، اجراهای زنده و نمایشگاه‌ها و موزه‌ها به‌عنوان یک تکنیک دسترسی برای نابینایان و کم‌بینایان در نظر گرفته شده است. در مورد AD که روی افراد دچار مشکلات بینایی تمرکز دارد، صدای توصیف‌کنندگان واسطه‌های اجتماعی هستند.

پرفسور جوئل اسنایدر در سطح بین‌المللی به‌عنوان یکی از اولین توصیف‌کنندگان صوتی شناخته می‌شود. اسنایدر توصیف رویدادهای هنری را در 1980م با اولین سرویس توصیف صوتی مداوم در جهان، در واشنگتن دی‌سی آغاز کرد. کارهای او باعث شد مخاطبان کم‌بینا و نابینا به صدها تئاتر زنده دسترسی داشته باشند. اسنایدر از همان روش در رسانه‌ها هم استفاده کرد. او از این تکنیک برای پخش برنامه‌های شبکه‌های ای‌بی‌سی و فاکس، فیلم‌های سینمایی، موزۀ ملی هوا و فضا، مؤسسۀ ملی تیتراژ و مجموعه‌های تلویزیونی پخش‌شده در سراسر کشور آمریکا استفاده کرد. او همچنین کارگاه‌های آموزشی توصیف را در کشورهای لیتوانی، نروژ، فنلاند، چک، بلغارستان، انگلیس، روسیه و چند کشور دیگر برپا کرده است. امروزه تولیدکنندگان رسانه، موزه‌ها، مدرسه‌ها، کتابخانه‌ها و اماکن دیگر در سراسر جهان برنامه‌های AD را توسعه می‌دهند.

جوئل اسنایدر معتقد است، توصیف صوتی تا حد زیادی نوعی کار هنری،ادبی است، این کار یک نسخۀ کلامی از تصویری است که به‌صورت شنیداری و شفاهی ساخته شده است. AD از کلماتی استفاده می‌کند که واضح‌ هستند، تخیلی‌اند و قدرت بالایی برای انتقال دارند. تصاویر بصری برای بخشی از مردم در دسترس نیست و برخی افراد بینا هم که می‌بینند، ممکن است آن تصاویر را کاملاً درک نکنند. AD می‌تواند تجارب هنری بیشتری را در اختیار همۀ تماشاگران موزه‌ها، تئاتر، تلویزیون و سینما قرار دهد. این روش برای هرکسی که می‌خواهد چشم‌انداز کاملی از هر رویداد بصری را درک کند مفید است، اما به‌عنوان ابزاری برای دسترسی افراد نابینا یا کم‌بینا بسیار کمک‌کننده است.



خوشا آن‌دم که خندان با تو باشم

بهاران در بهاران با تو باشم

خوشا آن شب، تو باشی ماه آن شب

همان شب زیر باران با تو باشم

## **دکتر محمد خزائلی و گسترش نهادهای آموزشی نابینایان**

**محمد نوری: پژوهشگر حوزه معلولیت**



محمد خزائلی، متولد 1292ش، در اراک، از افرادی است که به‌رغم نابینا شدن در کودکی، با تلاش و پشتکار به مدارج عالی علمی و اجتماعی دست یافت و توانست چندین آموزشگاه و مدرسه برای نابینایان تأسیس کند و تحولات ژرف و اساسی در زندگی و سرنوشت نابینایان ایران پدید آورد. این مقاله درصدد معرفی فعالیت‌های محمد خزائلی در زمینۀ مدرسه‌سازی نابینایان و توسعۀ نهادهای آموزشی نابینایان است و جنبه‌های دیگر شخصیت و کارنامۀ او بررسی نمی‌شود؛ هرچند به‌منظور آشنایی اولیه و اجمالی با سیر تحولات زندگی‌اش، از کودکی تا پایان عمر، زندگی‌نامۀ مختصری از او ارائه می‌کنم.

### **زندگی‌نامه**

محمد خزائلی، فرزند محمدرضا، در 1292ش، در کَرَه‌رود اراک چشم به جهان گشود. او در هجده‌ماهگی و بر اساس گزارشی دیگر در چهارسالگی بر اثر ابتلا به بیماری آبله بینایی خود را از دست داد. در آن زمان برای آموزش و پرورش نابینایان در ایران وسایل و مدارس خاص وجود نداشت؛ از این رو به مکتب رفت و در هفت‌سالگی در مکتب مرحوم شیخ حسین مدنی مشغول آموختن شد. پس از پایان مکتب و به‌محض افتتاح نخستین مدرسه در اراک به نام «مدرسۀ سهامیه» روانۀ این مدرسه شد. درس‌ها را برایش می‌خواندند و او به دلیل حافظۀ قوی درس را یاد می‌گرفت. در دوران ابتدایی، همیشه شاگرد اول بود و با وجود نابینایی با دشواری‌های بسیاری مواجه نشد و مدرک ششم ابتدایی را با معدل بیست گرفت. خزائلی تحصیلات متوسطه را در دبیرستان صمصامی اراک ادامه داد، اما چون اولین نابینایی بود که می‌خواست این مسیر را طی کند، با موانع و مشکلات بسیار مواجه شد. او بالاخره با تلاش فراوان و سماجت، مدرک پایان دورۀ متوسطه را دریافت کرد.

خزائلی به معلمی علاقه داشت، ولی از نظر قانونی نمی‌توانست استخدام شود. او با پشتکار از این موانع هم گذشت و در 1321 در وزارت فرهنگ استخدام شد و در مدارس ابتدایی شروع به آموزش و معلمی کرد.

او در جوانی با موسیقی آشنایی پیدا کرد و گاهی برای آرامش خویش سازی می‌نواخت. در 1318ش با یکی از شاگردانش ازدواج کرد. همسرش در امور مختلف یار و یاورش بود، ازجمله کتاب‌ها را برایش می‌خواند و او مطالب را به حافظه می‌سپرد. محمد خزائلی که گاه او را «محمد نابغه» می‌خوانند، هیچ‌گاه در راه تحصیل از پای ننشست و با وجود مشکلات فراوانی که سر راهش بود، در آزمون دانشگاه شرکت کرد. او در 1324ش، با کسب رتبۀ اول، مدرک کارشناسی را از دانشکدۀ الهیات گرفت و مفتخر به دریافت مدال علمی شد. سپس در 1325ش از دانشکدۀ حقوق و در 1329ش از دانشکدۀ ادبیات مدرک کارشناسی را گرفت، ولی چون تشنۀ کسب دانش بود و با پشتکاری عجیب و ذوقی سرشار که در نهاد او منحصر‌به‌فرد بود، تحصیلات عالی را ادامه داد تا جایی که در 1332ش، در رشتۀ ادبیات فارسی و در 1336ش از دانشکدۀ حقوق دانشگاه تهران درجۀ دکتری را گرفت. خزائلی بر زبان‌های عربی، فرانسه و انگلیسی تسلط داشت و با زبان آلمانی آشنا بود.

از خزائلی کتاب‌هایی به جای مانده است که گویای رویکرد فکری و تفکرات اوست. او در زمینه‌هایی که کتاب نبود یا کم بود و دانشجویان نیاز داشتند، دست به کار نوشتن می‌شد. درمجموع، 35 عنوان کتاب از او باقی مانده است.

محمد خزائلی نه‌تنها در راه توسعۀ فرهنگ و دانش فعالیت کرد، بلکه درصدد بود نابینایان به مدارج عالی علمی برسند و در زمینۀ بهسازی و بهزیستی و رفاه جامعۀ نابینایان ایران هم بسیار کوشید. او بیست‌سال متوالی در «انجمن ملی هدایت و حمایت نابینایان ایران» و بعد در «سازمان رفاه نابینایان» برای معیشت، اشتغال و رفاه این گروه فعالیت‌های ارزشمند و زیربنایی انجام داد. خزائلی در سال‌های 46 و 48، در مجلس شورای ملی، دربارۀ نابینایان سخنرانی کرد و گزارشی از وضع آنان و اقدامات انجام‌شده ارائه داد.

او همچنین مجله‌ای به نام «روشندل» با موضوع‌هایی در زمینه‌های علمی، فرهنگی و مذهبی منتشر می‌کرد. محمد خزائلی در 22 خردادماه 1353ش، در 62 سالگی درگذشت.

دکتر محمد خزائلی بخشی از تاریخ نابینایی ایران و نیز فردی شاخص در هویت جامعۀ نابینایان ایران شده؛ همان‌طور که جبار باغچه‌بان در فرهنگ و جامعۀ ناشنوایان برجسته است. مدیرعامل مؤسسۀ نابینایان و کم‌بینایان قزوین مطلبی گفته که گویای بسیاری از واقعیت‌هاست: دکتر خزائلی از شخصیت‌های برتر جهانی است که خدمات بسیاری برای باسوادی نابینایان انجام داده. حالا به جای تقدیر از او و خیابانی را به نامش کردن، می‌خواهند نامش را از مدرسۀ خودش هم حذف کنند![[9]](#footnote-9)

### **کارنامۀ نهادسازی**

خزائلی علاوه بر اینکه پژوهشگر، نویسنده، سیاست‌مدار، حقوق‌دان و قانون‌گذار و روزنامه‌نگار بود، نهادساز هم بود. کارنامه‌اش نشانگر این است که ارتقای سطح زندگی نابینایان را وابسته به ارتقای سطح فرهنگی آنان می‌دانست، یعنی معتقد بود تا وقتی نابینایان از نظر فرهنگی، باسواد و تحصیل‌کرده و مهارت‌آموخته نشده باشند، نمی‌توانند به زندگی مطلوب برسند، اما ارتقای سطح فرهنگی نابینایان به توسعۀ آموزش و پرورش ربط داشت و البته توسعۀ آموزش و پرورش به تأسیس و دایر کردن مدارس در هر شهر و روستا بستگی دارد. وقتی خزائلی این افکار در سرش می‌گذشت، مدرسۀ نابینایان در تهران هم نبود. او فقدان مدرسه و آموزشگاه را علت همۀ نابسامانی‌ها و مشکلات نابینایان می‌دانست؛ از این‌ رو تأسیس و دایر کردن آموزشگاه و مدرسه برای نابینایان را شروع کرد. اکنون به‌ترتیب تاریخی فعالیت‌های او را در این زمینه مرور می‌کنیم.

**ـ آموزشگاه اراک:** اسناد و مدارک نشان می‌دهد نخستین اقدام خزائلی در تأسیس مدرسه و آموزشگاه، در شهر زادگاهش اراک بوده است. خزائلی در 1311ش آموزشگاه اراک را تأسیس کرد.

**ـ انجمن هدایت و حمایت نابینایان ایران:** خزائلی در 1342ش، این انجمن را ابتدا در خانۀ خودش در تهران با هدف آموزش نابینایان و ارتقای فرهنگی آنان تأسیس کرد. هدف این انجمن حمایت از نابینایان بود؛ از این‌ رو به سوادآموزی، کاریابی و ایجاد روابط اجتماعی می‌پرداخت. همچنین به نابینایان مشاوره می‌داد و آنها را راهنمایی می‌کرد.

پس از مدتی این انجمن از خانۀ خزائلی به مدرسۀ پسرانۀ خزائلی، در خیابان شاه‌آباد (خیابان جمهوری کنونی)، کوچۀ ظهیرالاسلام که اکنون خیابان شده است منتقل شد و اسم آن را به «انجمن حمایت و هدایت نابینایان ایران» تغییر دادند.

**ـ آموزشگاه بزرگ‌سالان:** خزائلی پس از آمدن به تهران درصدد برآمد تا برای بزرگ‌سالان نابینا و کم‌بینا که در آن زمان به آنان «اَکابر» می‌گفتند، آموزشگاهی دایر کند. او نظام آموزش اکابر را از 1342ش، برای نابینایان در خیابان شاه‌آباد تهران دایر کرد. آموزشگاه خزائلی به نام‌های «آموزشگاه شبانۀ نابینایان»، «آموزشگاه شبانۀ خزائلی» و «آموزشگاه بزرگ‌سالان نابینا» معروف است.

**ـ مجتمع نابینایان خزائلی:** این مرکز آموزشی از 1342ش، با آموزش اکابر یا بزرگ‌سالان نابینا کارش را شروع کرد و به‌تدریج گسترش یافت و آموزش کودکان و سپس دوره‌های راهنمایی و متوسطه را هم تأسیس کرد.

فعالیت این مرکز که از آن با نام «آموزشگاه نابینایان دکتر خزائلی» یاد شده، با هدف رهایی نابینایان در سنین مختلف از بی‌سوادی و افزایش کاراییِ این افراد با همت دکتر محمد خزائلی و چند تن از همفکرانش در تهران شروع شد.

سازمان برنامه و بودجه در بهمن‌ 1348ش، بنا به درخواست و پیگیری‌های مجدانۀ دکتر محمد خزائلی، بازسازی آموزشگاه را تصویب کرد و قرار شد که وزارت آموزش و پرورش، ساختمان مذکور را برای امور آموزشی و کلاس‌های درسی نابینایان تجدید بنا کند که اقدام‌ لازم در این مورد انجام و از مهر 1350ش، از ساختمان جدید آموزشگاه بهره‌برداری شد.

با تأسیس دفتر استثنایی در وزارت آموزش و پرورش در 1347، خزائلی از ظرفیت‌ها و امکانات آنجا برای آموزشگاه خودش استفاده کرد، ازجمله درخواست کرد تا معلم‌های استخدام‌شده و آموزش‌دیده را از آن دفتر به آموزشگاهش بفرستند. همچنین در 1350ش، با افتتاح سازمان ملی رفاه نابینایان، از امکانات مالی و اداری آنجا هم بهره برد.

از 1353ش، محمدرضا نامنی با هماهنگی دفتر استثنایی و سازمان رفاه، مدیر آموزشگاه خزائلی شد. او که نابینا بود و در این زمینه تحصیل و تحقیق کرده بود، توانست آموزشگاه را به‌صورت اساسی متحول کند.

### **ضرورت پرداختن به خزائلی**

همان‌طور که اگر سعدی و حافظ را از فرهنگ فارسی حذف کنیم، هویتی باقی نمی‌ماند، حذف خزائلی و چنین شخصیت‌هایی هم موجب بی‌هویتی و مشکلات فرهنگی و اجتماعی خواهد شد. برعکس نیاز است با الگوسازی و پردازش این شخصیت‌ها، نسل جدید را متمایل به فرهنگ بومی کنیم، البته کارنامۀ محمد خزائلی بسیار گسترده است و ابعاد مختلف دارد و این مقاله فقط به نهادسازی خزائلی در زمینۀ آموزش پرداخت.

### **مآخذ**

ـ زنگنه، پری، **آن سوی تاریکی***،* تهران: کتاب‌سرا، 1389، 303 ـ 317.

ـ خزائلی، شایسته *«پدرم منش دوست‌داشتنی داشت»*، **خبرگزاری کتب ایران**، 12 آذر 1397.

ـ نامنی، محمدرضا؛ حیات روشنایی، افسانه و ترابی میلانی، فریده، **تحول روانی، آموزش و توانبخشی****نابینایان**، تهران: انتشارات سمت، 1389، 335 ـ 343.

ـ نوری، محمد و شادکام، منصور، دائرةالمعارف نابینایی و نابینایان 3جلد، قم: انتشارات توانمندان، 1402، 114 و 358، 854 ـ 855.

ـ مشیر سلیمی، علی‌اکبر، **سخنوران نابینا یا کوران روشن‌بین**، تهران: مؤسسۀ مطبوعاتی فریدون علمی، 1344، 460 ـ 463.

بهار آمد صدای بلبل آمد

صدای بلبل از شوق گل آمد

تو را دیدم به رخ افکنده گیسو

به یادم برگ گل با سنبل آمد

## **نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا**

**رقیه شفیعی: کارشناس بخش نابینایان نهاد کتاب‌خانه‌های عمومی ایلام**

درود بر همراهان و خوانندگان نسل مانا!



همراه با زهرا همت از لابه‌لای موضوع‌ها و کتاب‌ها به سراغ سرگذشت و زندگی‌نامه و سفرنامه می‌رویم و روز‌های زندگی افرادی را ورق می‌زنیم که تجربیات زیسته‌شان می‌تواند دیدی وسیع و نگاهی عمیق از آنچه پشت سر گذاشته‌اند به ما بدهد؛ افرادی که داستان زندگی‌ای که گذرانده‌اند، آن‌قدر جذاب است که خواننده را تا انتهای کتاب با خود همراه می‌سازد و تجربیات زندگی‌شان همان کوله‌بار سنگینی است که بر دوش کشیدنش از طرف نویسنده نشان‌دهندۀ توانایی بالای اوست که توانسته است از آن راه بگذرد و اندوخته‌هایش را با دیگران نیز به اشتراک بگذارد.

زهرا همت آموزگار استثنایی شهر تهران و کارشناس ارشد روان‌شناسی است. او سعی دارد تا از زندگی کسانی برایمان سخن بگوید که خواندن تجربیاتشان را اتفاقی دوست‌داشتنی می‌داند و تلاش می‌کند تا این تجربه را به بهترین شکل برای همراهان نواک بیان کند.

آموزگار مهمان نواک از شروع علاقه‌اش به موضوع سرگذشت و زندگی‌نامه می‌گوید. او توضیح می‌دهد که خواندن کتاب‌های علمی روان‌شناسی انتخاب دوران دانشجویی‌اش بوده و هیچ علاقه‌ای به خواندن کتاب داستان نداشته است؛ تا اینکه با کتاب ***انسان در جست‌وجوی معنا***، اثر ویکتور فرانکل، آشنا می‌شود. همت توضیح می‌دهد وقتی قسمت دوم کتاب را خواندم که مباحث لگوتراپی یا معنا‌درمانی را بیان می‌کرد؛ دریافتم که آموخته‌هایم از قسمت اول که دربرگیرندۀ زندگی نویسنده بود، بیشتر از قسمت دوم کتاب است و به کمک قسمت اول کتاب توانستم مباحث بخش دوم را بهتر دریابم. این اتفاق سبب شد تا خواندن داستان‌هایی مبتنی بر واقعیت برایم جذاب شود و بعد از آن به سراغ کتاب‌هایی رفتم که زندگی افراد و سفر‌های واقعی آنها را در برمی‌گرفت.

زهرا همت در پاسخ به این پرسش که چه خصیصه‌ای در زندگی‌نامه و سفرنامه‌ها موجب علاقۀ او به این گروه از کتاب‌ها شده است می‌گوید: خواندن این دست کتاب‌ها سبب می‌شود تا همراه با نویسنده به مکان‌ها و زمان‌هایی سفر کنیم که امکان تجربۀ آنها برای خودمان وجود ندارد و بُعد جدیدی از زندگی را پیش رویمان قرار می‌دهد. ویژگی یک سفرنامه و زندگی‌نامۀ خوب از نظر زهرا همت این است که ما را از اکنون خود جدا کند و به زمان و مکان یادشده ببرد.

زهرا همت در ادامۀ گفتگوی خود با نواک به معرفی کتاب‌هایی می‌پردازد که خودش خوانده است و خواندن آنها را برای شنوندگان مفید می‌داند. او برای نشان دادن جذابیت هر یک از کتاب‌هایی که معرفی می‌کند، یک پاراگراف تأثیرگذار از کتاب را می‌خواند تا اهل مطالعه بیش از یک معرفی در فضای اصلی کتاب قرار گیرند.

برخی کتاب‌هایی که زهرا همت معرفی می‌کند عبارت‌اند از: ***انسان در جست‌وجوی معنا***، نوشتۀ ویکتور فرانکل؛ ***جنگ چهرۀ زنانه ندارد***، از سوتلانا الکساندرونا الکسویچ؛ ***من عروس بن‌لادن***، اثر کارمن بن‌لادن؛ ***میشل شدن***، از میشل اوباما؛ ***گل صحرا***، اثر کاتلین میلر؛ ***شش سال در میان زنان وحشی آمازون***، از منوچهر مطیعی؛ ***شازده حمام***، اثر محمدحسین پاپلی یزدی و دیگر کتاب‌هایی که شنوندگان اهل مطالعه با گوش دادن به پادکست می‌توانند معرفی کوتاهی از کتاب را بشنوند و به‌عنوان کتابی جذاب برای خواندن انتخاب کنند.

مهمان نواک از سفرنامه‌هایی که خوانده به معرفی ***سفرنامۀ برادران امیدوار*** می‌پردازد و بیان می‌کند که این دو برادر موزه‌ای از آثار سفر خود را دایر کرده‌اند که می‌تواند گواهی بر صحت نوشته‌های سفرنامه‌شان باشد.

زهرا همت در پایان گفتگوی خود با نواک اظهار امیدواری می‌کند که خوانندگان نواک سال خود را با خواندن کتاب آغاز کنند و مانند او از مطالعه لذت ببرند.

همراهان نواک در نظر داشته باشند کتاب‌های معرفی شده در پادکست و هر منبع مطالعاتی را که نیاز دارند می‌توانند از بخش‌های نابینایان و کم‌بینایان کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور دریافت کنند.

خبر آورده بلبل از بهاران

مفرح گشته کوه و کوهساران

بیا باهم بگردیم و بخوانیم

سرود عشق را در زیر باران

## **بهاریه**

**بهروز نبی‌زاده (مهاجر): شاعر نابینا**



غزلی تازه نوشتم غزل از جنس بهار

غزل از برگ گل تازه و خوش‌نقش و نگار

نقش هر مصرع آن نقشۀ احساس من است

می‌کنم هدیۀ خاک قدم حضرت یار

بیت‌هایش همه آکنده شده از گل یاس

گل نیلوفر و نرگس گل ختمی گل نار

کلماتش همه دُر است و عقیق یمنی

وزن و آهنگ خوشش می‌طلبد تار و سه‌تار

دل اگر عشق نورزد نَبُود لایق دوست

دلم افتاده به دام لب و گیسوی نگار

من مهاجر شده‌ام گشته‌ام آوارۀ دهر

خضر راهم تو بیا باش و به راهم تو بیار

## **دویدن‌ها و نرسیدن‌ها!**

ما گاهی فکر می‌کردیم همۀ مشکلات ما ریشه در بی‌پولی دارد و با مرحوم مارکس هم‌نظر بودیم که اقتصاد زیربنا است، اما چند وقت پیش در ایام پیشانوروز اتفاقاتی افتاد که فهمیدیم نظرمان به نظر آن بزرگوار که اقتصاد را متعلق به غیر نوع بشر می‌دانست نزدیک‌تر است.

داستان این است که چند روز قبل از نوروز، یعنی یکی‌دو روز پیش از روز نیکی به همسایگان، ما همۀ پول‌هایمان ته کشید و زار و نزار در منزل گوشۀ عزلت گزیده بودیم و کاسۀ چه کنم چه کنم در دست، در این اندیشه بودیم که عید خود را چه خاکی بر سر بریزیم، البته نه اینکه فکر کنید ما این ماه ولخرجی کرده باشیم و به این مناسبت جیبمان خالی شده باشد؛ خیر! ما اتفاقاً سال‌هاست یاد گرفته‌ایم دم عیدی مقتصدتر باشیم تا اواسط فروردین به غلط خوردن نیفتیم، اما نمی‌دانم این آمریکای جنایتکار چه مرگش شده که هرسال دم عیدی دلارش را گران می‌کند و همۀ اجناس ما هم با سیاست‌های این جهان‌خوار گران می‌شود و کار به اینجا می‌رسد که ما هر روز گداتر می‌شویم. به‌خدا که ما آخرش از دست این جنایتکاران بی‌وجدان با اسحاق می‌رویم کانادا! حداقل دلارشان ده تومان ارزان‌تر از آمریکاست.

باری، کز کرده در گوشۀ خانه نشسته بودیم که ناگهان موبایلمان به صدا درآمد و پیامکی از بانک حال ما را زیر و رو کرد:

واریز 70 میلیون ریال. مانده: 70 میلیون و 1 ریال!

پشت‌بندش هم یک پیامک از سازمان فخیمه آمد:

مددجوی عزیز! ضمن تبریک سال نو، عیدی شما واریز شد.

ما که تا دیروز سازمان فخیمه را بابت مستمری هفت‌صدهزار تومانی فحش می‌دادیم، ناگهان به سر کیف آمده و ناخودآگاه رحمتی فرستادیم بر آن شیرِپاک‌خورده که رئیس سازمان شده. پیش خودمان گفتیم بالاخره تلاش‌هایمان جواب داد و این ماه به اندازۀ حداقلِ دستمزد، عیدی به ما دادند. عصایمان را برداشتیم و گفتیم تا خیابان‌ها شلوغ‌تر از این نشده، برویم و باقی‌ماندۀ خریدهایمان را داشته باشیم که امسال نوروزی خوش در انتظارمان است.



با کیف تمام از خانه بیرون زدیم و هنوز یک قدم در پیاده‌رو نرفته بودیم که ناگهان یک چیزی محکم رفت تو قفسۀ سینه‌مان. شخصی موتورش را دقیقاً روی مسیر نابینایان پارک کرده بود. صاحبش دوان‌دوان جلو آمد و بابت اینکه موتورش را در پیاده‌رو گذاشته عذرخواهی کرد. ما نیز که از پیامک واریز هنوز مشعوف بودیم، با لبخندی گفتیم: اشکالی نداره پسرم! فقط بدون که این موزاییک‌های زردرنگ، مسیر ویژۀ نابینایان هستش. لطفاً موتورت رو تو این مسیر نذار! با شرمندگی گفت: اِ، چه جالب! نمی‌دونستم. چشم! حتماً رعایت می‌کنم. واقعاً ببخشید!

کمی جلوتر پایمان به یک میله گیر کرد و قبل از اینکه با مخ بخوریم زمین، تعادلمان را حفظ کردیم. لمس که کردیم، دیدیم رگال لباس است. ظاهراً مال مغازۀ روبه‌رویی بود. صاحبش جلو آمد و او هم از این موضوع ابراز شرمندگی کرد. هنوز اما اثر آرام‌بخش پیامک واریز وجود داشت؛ از‌همین‌رو به او هم همان توضیحات قبلی را دادیم و با خوش‌رویی گفتیم: پسرم! رگالت رو روی مسیر نابینایان نذار! گفت: چشم! حتماً! همان‌جا که دیدیم باب آشنایی باز شده، تصمیم گرفتیم از همان مغازه لباس بخریم. پرسیدیم: شما چه نوع لباس‌هایی دارید؟ گفت: همه نوع. گفتیم: یک پیراهن شیک و مجلسی می‌خواهیم. با کمی تردید گفت: لباس‌های ما برای شما مناسب نیست، از جای دیگری خرید بکنید بهتر است! بعد هم سریع رفت داخل مغازه تا به مشتری‌هایش برسد.

چند متر جلوتر احساس کردیم چیز نرمی زیر پایمان است. تا به خودمان بیاییم، یک آقا با خشونت توأم با ترحم گفت: بندۀ خدا حواست کجاست؟! رفتی رو بساط من! از اون‌ور برو! ما که هنوز سرخوشی ناشی از پیامک در رگ‌هایمان جاری بود گفتیم: چشم! فقط ای کاش شما روی این مسیر بساط نکنید! راستی چی می‌فروشید؟ با بی‌میلی جواب داد: جوراب. گفتیم: چه عالی! اتفاقاً ما هم می‌خواستیم برای عیدی جوراب بخریم. جوراب‌هاتون چطوری هستن؟ جوراب‌فروش بدون حرف چند تا جوراب تو یک کیسه کرد و دستمان داد و گفت: دعا کن برامون عموجان!

ما، سرخوش از میلیونر بودن، با خوش‌رویی گفتیم: چشم عموجان! دعا هم می‌کنیم. فقط نگفتید چند؟ راجع‌به رنگ و نوعش هم از ما نظری نخواستین. خودتون برامون تصمیم گرفتین. کمی هم خنده چاشنی حرفمان کردیم که خدای‌ناکرده به تیریج قبای مبارکش برنخورد. گفت: کی پول خواست بندۀ خدا؟! اسب پیشکشی بود؛ دندونش رو دیگه نشمار! ما گرفتاری زیاد داریم. جاش برامون دعا کن، شما دلت پاکه! سعی کردیم نگذاریم این اتفاقات روزمان را خراب کند. با صبوری به جوراب‌فروش گفتیم: ببین برادر! شما باید همان‌طور که از دیگر مشتری‌هایتان در خصوص نوع و رنگ سؤال می‌کنید، همان برخورد را هم با ما داشته باشید. باور کنید چیز سختی نیست! آن‌وقت من هم مثل بقیۀ مشتری‌هایتان پول اجناسی را که خریدم می‌پردازم. این‌طوری هر دوی ما راحت‌تر هستیم. جوراب‌فروش زیر لب گفت: خوبی هم به اینا نیومده! ما که بحث را بی‌فایده دیدیم، کیسه را زمین گذاشتیم و ترجیح دادیم با فکر میلیونر بودن سرخوش باشیم.



لباس و جوراب که نتوانستیم بخریم. تصمیم گرفتیم برویم سراغ آجیل. به‌هر‌حال ما دیگر با این هفتاد میلیون ریال در جرگۀ طبقات بالا به حساب می‌آییم و می‌توانیم برویم آجیل‌فروشی. وارد که شدیم مغازه شلوغ بود. چند دقیقه منتظر شدیم، اما خبری نشد و کسی کاری به کار ما نداشت. رفتیم سراغ شخصی که تصور می‌کردیم احتمالاً مدیر باشد. با صدایی کودکانه گفت: جانم؟ چه کمکی می‌تونم بکنم؟! با جدیت گفتیم: آجیل چهارمغز می‌خواهیم. با تردید گفت: چهارمغز! چشم! همین‌جا بشین برات می‌آرم. نیم‌کیلو بسه؟ گفتیم: قیمتش چنده؟ گفت: نگران نباش! ازت کم می‌گیرم. شما، روشندل‌ها، عزیز ما هستید. ما که دیگر انرژی بحث نداشتیم، بی‌حرفی مغازه را ترک کردیم. در حین خروج شنیدیم فروشنده با حرارت تمام برای مشتری دیگری از انواع آجیل‌ها و تنوع قیمت آنها می‌گفت و از مشتری می‌خواست اول همه را تست کند. پیش خودمان گفتیم ظاهراً پول‌دار هم باشیم، خیلی توفیری ندارد.

از مغازه که خارج شدیم، باز یک چیز محکم رفت تو قفسۀ سینه‌مان؛ دقیقاً همان‌جا که صبح آسیب دیده بود. ظاهراً بازهم موتور بود. صاحبش جلو آمد و با شرمندگی گفت: آخ داداش! ببخشید! موتور من بدجا بود. دیدیم صدایش آشناست. گفتیم: تو همون موتوری نیستی که یک ساعت پیش باهات برخورد کردم؟! گفت: آره داداش! دمت گرم! از کجا شناختی؟! خداوکیلی شما، نابیناها، خیلی باهوشید. من پیک هستم. الان هم اینجا جنس آوردم. گفتیم: شما صبح نگفتی نمی‌د‌ونستی نباید موتورت رو روی مسیر نابینایان بذاری؟! شما نبودی از صمیم قلب شرمنده شدی و گفتی دیگه موتورت رو سر راه نمی‌ذاری؟! گفت: آره داداش! راست می‌گی، حق با شماست. ببخشید! به‌خدا پیک هستم. یه دَیقه بیشتر کار نداشتم تو این مغازه. الانم دارم می‌رم. اتفاقی نیفتاده که! خدا رو شکر شما هم که طوریت نشده!

ترجیح دادیم بحث را بیشتر از این ادامه ندهیم. ناامید به سمت خانه برگشتیم. دم در که رسیدیم، موبایلمان به صدا درآمد. جواب دادیم: آقای موشکاف...بفرمایید!

ـ از بانک تماس می‌گیرم خدمتتون. امروز اشتباهاً به‌جای هفت‌صد تومن، هفت میلیون به حساب شما واریز شده؛ به‌همین‌دلیل هم حسابتون مسدود شده. لطفاً با یه امین تشریف بیارید بانک تکلیف واریزی اضافه رو روشن کنیم.



این را که شنیدیم، زبانمان بند آمد، البته دقیق‌ترش را بخواهید، دچار لالی اختیاری شدیم. راستش حرف‌زدنمان که ما را به جایی نرساند، شاید این سکوت تلخ کاری از پیش ببرد.

**ارادتمند**

**موشکافِ زبان‌بسته**



1. Mathkicker [↑](#footnote-ref-1)
2. Access World [↑](#footnote-ref-2)
3. National Library Service [↑](#footnote-ref-3)
4. Zoomax [↑](#footnote-ref-4)
5. Humanware [↑](#footnote-ref-5)
6. Carie on Accessibility [↑](#footnote-ref-6)
7. 1. Edge  [↑](#footnote-ref-7)
8. Generic retinal dystrophy [↑](#footnote-ref-8)
9. # 1. «نام مدرسۀ خزائلی هویت نابینایان است، تغییرش ندهید»، وبگاه ایسنا

   [↑](#footnote-ref-9)